

هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی و مقایسه وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی و پیشنهاد راه‌هایی برای تقویت این استانداردها در مؤسسات آموزش عالی است. در این مطالعه از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی و الگوی تلفیقی کمی و کیفی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و دانشجویان دانشگاه کردستان بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، نمونه آماری مورد نیاز انتخاب گردید. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه نیمه‌ساختمند و بحث تمرکز گروهی نیز بهره گرفته شد. در ارتباط با روش تحلیل داده‌ها نیز بنابه ماهیت سؤالات پژوهشی از روش آمار توصیفی، آزمون تی گروه‌های مستقل، آزمون تی وابسته و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است از نظر اساتید و دانشجویان، وضعیت موجود اخلاق حرفه‌ای در حوزه فعالیت‌های آموزشی پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. این در حالی است که پاسخگویان، توجه به این استانداردها را در آموزش‌های دانشگاهی بسیار ضروری می‌دانند. مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان و لحاظ کردن سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در تحلیل‌های ثانوی، مبین نوعی تجانس در نظرات آنان در ارتباط با وضعیت جاری و وضعیت مطلوب این استانداردهاست.

■ واژگان کلیدی:

آموزش عالی، استانداردهای اخلاق حرفه‌ای، فرایند آموزش و یادگیری، مسئولیت‌های حرفه‌ای، روابط آکادمیک

اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی

تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی*

نعمت‌اله عزیزی

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان
n.azizi@uok.ac.ir

مقدمه: نگاهی به مفهوم اخلاق و اخلاق حرفه‌ای

اثربخشی فرایند تدریس و آموزش‌های دانشگاهی به عنوان یک حوزه مهم حرفه‌ای به مجموعه‌ای از عوامل فردی، حرفه‌ای و سازمانی بستگی دارد. در این میان برخورداری اعضای هیئت علمی از قابلیت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای و الزام آنان به رعایت مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای حرفه‌ای در فرایند تدریس نقش تعیین کننده در افزایش اثربخشی فعالیت‌های آموزشی دارد. در واقع رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در تدریس به منزله یک منشور اخلاقی حرفه‌ای تلقی می‌گردد که اهتمام اساتید به آنها در تعامل با دانشجویان، همکاران و مجموعه سازمانی گروه آموزشی و دانشگاه می‌تواند علاوه بر افزایش کارآمدی در بازده تدریس، به سطح بالایی از رضامندی ذی‌نفعان چنین فرایندی علی‌الخصوص دانشجویان بینجامد. استانداردهای اخلاق حرفه‌ای به مجموعه‌ای از اصول اطلاق می‌شوند که در صورت پیروی از آن، ارزش‌هایی چون اعتماد، رفتار مناسب کاری، انصاف و مهربانی ارتقا می‌یابند. چنین استانداردهایی در حوزه آموزش به مفهوم پاسخگویی متقابل و پاسخگویی افرادی که متولی نیل به یک آموزش کیفی هستند، می‌باشد. هدف کلی این استانداردها بهبود تعهد، تلاش و کارایی در خدمات افراد درگیر در حرفه معلمی و ارائه راهنمایی‌های حرفه‌ای به آنان از طریق تدوین هنجارهای رفتار حرفه‌ای می‌باشد (مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی، ۲۰۰۹). بررسی جایگاه و وضعیت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در نظام دانشگاهی کشور می‌تواند به سیاستگذاران، مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور در اتخاذ راهبردهای مناسب برای کاهش شکاف بین وضع موجود و مطلوب در این زمینه و ارتقای وضعیت چنین استانداردهایی مدد رساند. اما پیش از ورود به این بحث، ابتدا لازم است اجمالاً مفاهیم اخلاق و اخلاق حرفه‌ای و پیشینه آن مفاهیم مورد بحث قرار گیرد.

اخلاق جمع خلق و در لغت به معنای خوی‌ها و علم اخلاق یا تهذیب اخلاق یا تهذیب نفس، یکی از شعب حکمت عملی است و آن دانش بد و نیک خوی‌ها و تدبیر انسان است برای نفس خود یا یک تن خاص (معین، ۱۳۷۱: ۱۷۴). این اصطلاح همچنین به معنای صفت نفسانی یا هیئت راسخه‌ای است که در نفس انسان شکل می‌گیرد و در برخوردهای فردی و اجتماعی و در موقعیت‌های متفاوت به صورت رفتار و عکس‌العمل‌های مختلف بروز می‌کند. از نظر علمی، اخلاق معرفتی است که از افعال اختیاری انسان بر اساس یک سیر عقلایی شکل می‌گیرد (مظاهری، ۱۳۸۲). از منظر دینی چنانچه این خلق و خوی با ارزش‌های والای نفسانی و اسلامی منطبق باشد فضیلت و اگر در تقابل با آن قرار بگیرد ردیلت نامیده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۷). از این‌رو علم اخلاق با مجموعه‌ای از سؤالات گوناگون در مورد اینکه چه چیزی خوب است، درست است، فضیلت و حسن است و یا ارزش و اهمیت دارد، روبه‌رو

است (اسلوت^۱، ۱۹۹۵ و تجلتویت^۲، ۱۹۹۹ به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵). بر این اساس اخلاق پایه تربیت انسان است و از آنجا که انسان خلیفه خداوند در زمین و پرتویی از ذات اوست باید خود را به صفات، فضائل و کمالات الهی بیاراید تا بتواند نه تنها تکالیف و مسئولیت‌هایش را در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی به نحو احسن انجام دهد بلکه ظرفیت لازم را نیز برای نزدیک شدن به مبدأ کمال و مقام قرب الهی در خود ایجاد نماید که «در حقیقت کسی رستگار شد که پذیرای پاکی گردید» (سوره شمس، آیه ۹). امام غزالی در ربع مهلکات کتاب احیاء علوم دین در تعریف اخلاق آن را حالتی راسخ و مؤثر در روان آدمی می‌داند که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل افعال و رفتار از بشر ظاهر می‌شود (ص. ۱۱۳). از این رو تبعیت افراد از اصول اخلاقی تضمین‌گر توفیق انسان در نیل به مقصود است. از جمله اصول اخلاقی بارزی که می‌توان از نصوص قرآنی و سیره و سنت شریف نبوی استنتاج کرد می‌توان به صداقت و پاکی، وفای به عهد، عدالت و انصاف، مساوات و برابری، نرمی و مدارا و حسن خلق، مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی، تعاون، تواضع، اهتمام به امور مردم، نظارت اجتماعی و حرمت جمع اشاره کرد (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۳-۲۶).

حوزه اخلاق یا فلسفه اخلاق متضمن سیستماتیک کردن، تعریف نمودن و توصیه مفاهیمی از رفتار درست و نادرست است. فلاسفه معاصر معمولاً تئوری‌های اخلاقی را در سه حوزه موضوعی کلی فرا اخلاق^۳، اخلاق هنجاری^۴ و اخلاق کاربردی^۵ دسته‌بندی می‌کنند. فرا اخلاق در پی بررسی آن است که مشخص نماید منشأ اصول اخلاقی ما کجا است و آنها به چه معنا می‌باشند؟ آیا آنها صرفاً توسعه اجتماعی هستند؟ آیا آنها به چیزی بیشتر از بیان احساسات افراد جامعه می‌پردازند؟ فرا اخلاق در صدد پاسخگویی به این سؤالات بر پایه تمرکز بر موضوعات حقیقت کلی، اراده خداوند باری تعالی، نقش برهان در قضاوت‌های اخلاقی و نیز معانی اصطلاحات اخلاقی است. اخلاق هنجاری در مقایسه با سایر انواع اخلاق، دارای یک رویکرد عملگرتری است که به تدوین استانداردهای اخلاقی منجر می‌گردد. این استانداردها رفتارهای درست و نادرست را نظم می‌بخشند. این نوع از اخلاق ممکن است به روشن ساختن عادات خوبی که ما باید کسب نماییم، وظایفی که باید انجام گیرند و یا بررسی آثار و تبعات رفتار ما بر دیگران بپردازد. اخلاق کاربردی به بررسی موضوعات مهم خاص نظیر مسائل زیست محیطی، نسل‌کشی و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی می‌پردازد. گفتنی است که اخلاق کاربردی شامل اخلاق حرفه‌ای هم می‌شود؛ اخلاق حرفه‌ای به بررسی چالش‌های اخلاقی‌ای که توسط شاغلین حرفه‌ها، نظیر پزشکان، پرستاران، وکلا، کارگران و ... تجربه می‌شوند، می‌پردازد و به دنبال مطالعه و فهم مبانی ارزش‌ها و الزامات حرفه‌ای است.

1. Slote
2. Tjeltveit
3. Meta-Ethics
4. Normative Ethics
5. Applied Ethics

علم اخلاق قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در مشاغل و حرف‌گوناگون وارد شده است. اولین قانون تدوین شده در زمینه اخلاق حرفه‌ای به سوگندنامه پزشکی بقراط در یونان باستان برمی‌گردد که در آن وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی پزشکان مشخص شده بود (حسینیان، ۱۳۸۵: ۱۲). مفهوم اخلاق حرفه‌ای از علم اخلاق مشتق شده است و عبارت از مجموعه قوانین اخلاق حرفه‌ای است که اصولاً از ماهیت یک حرفه یا شغل به دست آمده است (کیچنر^۱، ۱۹۸۶ به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵). لذا اولین وظیفه اخلاق حرفه‌ای، رشد و توسعه قوانینی بر پایه اخلاق در شغل مورد نظر است. در همین راستا و نظر به ضرورت تدوین مؤلفه‌های رفتار حرفه‌ای برای سامان بخشیدن به اصول و ضوابط رفتار حرفه‌ای، رست^۲ (۱۹۸۳) به ارائه چهارچوبی برای درک رفتار اخلاقی پرداخت. از نظر او عمل اخلاقی، انجام هر رفتاری است که منجر به رفاه دیگران می‌گردد. او رفتار اخلاقی را متشکل از چهار جزء می‌داند که باید توسط افراد قبل از ورودشان به یک عمل ارادی، در مورد یک عمل اخلاقی نتیجه بخش مد نظر قرار بگیرد. این چهار مؤلفه عبارتند از حساسیت اخلاقی^۳ (فرایند تشخیص موقعیت)، استدلال اخلاقی^۴ (انتخاب مناسب‌ترین حالت و گزینه)، تصمیم برای انجام راه‌حل‌های اخلاقی^۵ (توجه به گزینه اخلاقی‌تر و رعایت آنها در عمل) و انجام عمل اخلاقی^۶ (تشبیت عمل اخلاقی و اینکه شخص باید عمل اخلاقی را واقعاً انجام دهد) (به نقل از حسینیان، ۱۳۸۵: ۲۱-۱۵). بر این اساس به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته‌شده که از سوی سازمان‌ها یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود تا مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد، اخلاق حرفه‌ای گویند. این اخلاق در برگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوک، و دستورهایی برای اجرای آنهاست (قراچکی، ۱۳۸۲ و ژکس، ۱۳۵۵). در حقیقت، اخلاق حرفه‌ای، یک فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه نمود.

اصطلاح اخلاق حرفه‌ای به عنوان یکی از ویژگی‌های سرمایه‌های انسانی و معنوی هر جامعه یا سازمان و به عنوان نوعی تعهد اخلاقی و وجدان کاری نسبت به هر نوع کار، وظیفه و مسئولیت از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در ادبیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نویسندگان غربی رایج شد. به زبان دیگر، صداقت در رفتار، گفتار و کردار در هر صنف و شغل به عنوان نمادی از احترام به اخلاق حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفت و به مرور زمان در هر شغل و حرفه‌ای در قالب مرام‌نامه، منشور و میثاق اخلاق حرفه‌ای و میثاق اصول اخلاقی و نوشته‌هایی شبیه به آن به صورت مکتوب و الزام‌آور در آمد. نکته مهمی که در باب اخلاق حرفه‌ای هنوز در هاله‌ای از ابهام است، ضمانت اجرایی آن

1. Kitchener

2. Rest

3. Moral Sensitivity

4. Moral Reasoning

5. Deciding to Carry out the Moral Alternatives

6. Implementing the Moral Action

و التزام افراد و سازمان‌ها به رعایت مفاد آن است. البته ذکر این نکته ضروری است که به دلیل تعدد وظایف و مسئولیت‌های مراکز دانشگاهی در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و علمی، بسترهای متفاوتی برای تدوین استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و همین‌طور برای مطالعه آنها وجود دارد. بر این اساس در این تحقیق صرفاً جایگاه این استانداردها در حوزه آموزش و تدریس مطالعه می‌گردد.

بسترهای اخلاقی تدریس

در فرهنگ دینی و اسلامی معلمی به منزله شغل انبیا است و آموزش و تدریس فرایندی است که از طریق آن آدمی می‌تواند از جنبه‌های مختلف به کمال برسد. از این‌رو در دیرینه فرهنگ اسلامی، اساس فرایند و فعل تدریس از یک بنیان اخلاقی محکمی برخوردار بوده است و معلمان و مدرسان می‌بایست از اصولی در ایفای نقش‌های حرفه‌ای خود تبعیت می‌کردند. تأملی در اندیشه‌ها و آثار مریبان بزرگ تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی مؤید این مطلب است. اما در مجامع علمی دامنه بحث بسترهای اخلاقی تدریس در سال‌های دهه نود به طور جدی مطرح و صاحب‌نظران زیادی در این حوزه ورود پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال کلارک^۱ (۱۹۹۰: ۲۵۲) بیان داشته است که تدریس بیش از آنکه تلاشی شیوه‌مند و فنی باشد یک مهارت و تکنیک اخلاقی^۲ است. او اضافه می‌کند که موضوعات اخلاقی در تدریس همیشه مطرح بوده و از ارزش ذاتی برخوردارند (کلارک^۳، ۱۹۹۰: ۲۶۳). از نظر کلارک تدریسی که متضمن مسئولیت اخلاقی است، کاری مشکل، پیچیده و گاهی اوقات نیز پرزحمت است که کسی هم قدر آن را نمی‌داند. در واقع تدریس اساساً یک بنگاه اخلاقی است که در آن بزرگسالان از بچه‌ها می‌خواهند در جهتی تغییر نمایند که توسط آنها انتخاب شده است (کلارک، ۱۹۹۰: ۲۶۳). از نظر کامپبل^۴ (۲۰۰۸) قلمرو اخلاق در تدریس به عنوان یک حرفه اخلاقی، در زمره ابعاد مثبت و غیر قابل انکار آن حرفه می‌باشد. این بعد به دلیل اهمیت بالایش و به دلیل آنکه با دنیای تعلیم و تربیت پیوند ناگسستنی دارد، علاقه و ذهن اندیشمندان، محققان و کارشناسان این حوزه را به خود معطوف نموده است. لذا اغلب در تبیین علل سوگیری‌های هنجاری استادان دانشگاه، مفروضاتی وجود دارد. بر پایه چنین برآوردهایی در فرایندهای دانشگاهی صفات و ویژگی‌هایی چون آزادگی، خود جهت یابی، خود تنظیمی، عزت نفس، نوع دوستی و ... را به دانشگاهیان و اهل علم نسبت می‌دهند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۰). بر این اساس است که جامعه به استادان و علما به دلیل اینکه وجود خود را وقف تحصیل معرفت و کشف حقیقت کرده‌اند، اعتماد می‌کند. از نظر آندرسون و لوپس^۵ (۱۹۹۴) چنین برداشتی سبب می‌گردد که استادان دانشگاه، دانشمندان و پژوهشگران به عنوان افرادی متفکر، تودار و قانع تصور گردند (به نقل از

1. Clrak
2. Moral Craft
3. Clrak
4. Compbell
5. Anderson and Lewis

قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۰). شاید به این دلیل است که از این گروه انتظار می‌رود که علاوه بر توانایی در تفکر انتقادی، حل مسائل غامض و عمل در چارچوبی اصولی و منطقی، و حفظ و ارتقای کارایی حرفه‌ای، برای دیگران احترام قائل شده و بتوانند خود را با تغییرات جاری تطبیق داده و در فرایند یادگیری درگیر شوند (گاردنر،^۱ ۱۹۹۸).

وان‌منن^۲ (۱۹۹۱) از زاویه دیگری به این قضیه نگریسته است. او بیان کرده است که طرف حساس زندگی در تدریس اغلب به طور نامعقولی مورد غفلت واقع می‌گردد. از دیدگاه وی اسانس و خمیرمایه آموزش و پرورش بیشتر یک فعالیت هنجاری است که به طور پیوسته از مربی انتظار دارد به شیوه‌ای صحیح، خوب و یا مناسب عمل کند تا یک بنگاه تکنیکی و یا تولیدی (وان‌منن، ۱۹۹۱: ۹). وان‌منن از واژه هنجاری برای نشان دادن این مطلب استفاده می‌کند که تدریس همانند نقش والدین همیشه با سؤالاتی درباره ارزش، ترجیح و اخلاقیات سروکار دارد و بر این باور است که معلمان باید از مجموعه‌ای از استانداردهایی برخوردار باشند که راهنمای آنان در نیل به خوبی است. او بیان می‌کند که صفات و ویژگی‌هایی وجود دارد که اساساً برای یک معلم مهم و برای یک شیوه تربیتی خوب، ضروری‌اند. این صفات شامل درک درست از حرفه معلمی، عشق و محبت به بچه‌ها، و درک عمیق از مسئولیت، حساسیت اخلاقی، روشنفکری خودانتقادانه، بلوغ اندیشمندانه، حساسیت مدبرانه نسبت به ذهنیت بچه‌ها، هوش تفسیری، درک پداگوژیک از نیازهای کودکان، پایداری آشکار در برخورد با جوانان، اشتیاق زیاد به یادگیری رموز جهان، شیوه اخلاقی برای طلب چیزی، فهم مشخصی از جهان، امیدواری در هنگام مواجهه با بحران‌های موجود و نهایتاً شوخ طبعی و نشاط می‌باشد. در همین راستا، بانر و کانن^۳ (۱۹۹۷) اعتقاد دارند که تدریس یک هنر است. آنها ویژگی‌های معلمان موفق و این نکته را که چنین ویژگی‌هایی سبب ارتقای سطح یادگیری و فهم می‌شود را تحلیل کرده‌اند. از نظر آنان از ویژگی‌های یک تدریس بسیار موفق یادگیری، اقتدار، اخلاق، نظم، خلاقیت، محبت، صبر، روحیه و نشاط می‌باشد که بخش زیادی از آن دارای ماهیتی اخلاقی است. در بحث راجع به اینکه چگونه می‌توان تدریس را از نظر شیوه عمل قابل تجسم ساخت، فالونا^۴ (۲۰۰۰) نیز بر پایه ویژگی‌های اخلاقی ارسطویی تدریس، چارچوبی را تدوین نمود که هر کدام از این ویژگی‌ها را در حوزه اعمال و اقدامات معلمان زمینه‌یابی کرد. او نتیجه گرفت که شجاعت، صمیمیت، صداقت، شوخ طبعی، محبت، پذیرش و انبساط روحی، بزرگی، سخاوت، کنترل و عدالت از صفات اخلاقی هستند که می‌توان در تدریس به کار گرفته شوند.

کیلبورن^۵ (۱۹۹۸: ۳۷) به نقل از دیویی بیان می‌کند که اصول اخلاق حرفه‌ای راهنماهایی برای قضاوت درباره دوره‌هایی از عمل و اقدام هستند تا قواعدی که از سر اجبار باید تبعیت

1. Gardiner
2. Van Manen
3. Banner and Cannon
4. Fallona
5. Kilbourm

شوند. مطالعه گرووز و همکارانش (۲۰۰۰) نیز نشان داد که وجود استانداردهای اخلاقی مختصر، روشن و زمینه‌یابی شده که بر جزئیات تدریس تمرکز می‌کند برای گروهی از معلمان مجرب درس علوم بسیار مفید بوده است. به علاوه استانداردهایی از ثبات، تعلق خاطر و جدیت در کمک به معلمان برای توصیف و تحلیل تدریس اثربخش علوم و به‌کارگیری آموخته‌هایشان در موقعیت‌های تدریس، ارزشمند گزارش شده است.

استانداردهای تدریس

در خلال دو دهه گذشته راهبردهای استاندارد به طور گسترده‌ای در اصلاحات برنامه‌های آموزشی کشورهای انگلیسی‌زبان مورد استفاده قرار گرفته است (گرووز و دیگران^۱، ۲۰۰۰). دارلینگ - هاموند^۲ (۱۹۹۷) بیان می‌کند که توسعه استانداردهای محتوای برنامه درسی، استانداردهای عملکردی و فرصت برای استانداردهای یادگیری به منظور گسترش یادگیری در میان دانشجویان مورد توجه بوده است. در شرایط جاری از توسعه یک راهبرد استاندارد، موضوعات متعددی نیاز به بررسی دارند. اغلب به نظر می‌رسد که بیشتر به تعیین سریع استانداردها توجه می‌گردد تا انتخاب فرایندی که افراد و حرفه را در آن درگیر می‌کند. به علاوه در خصوص روش‌های استفاده از استانداردها و همچنین مواد و وسایل ضروری همراه آن، توجه چندانی نشده است (لاودن^۳، والاس^۴ و گرووز، ۲۰۰۱). از طرف دیگر ترکیب بیشتر استانداردها شامل عبارات و عناوینی از دانش و مهارت‌هایی است که معلمان و مدرسان بدان نیاز دارند تا به عنوان فردی ماهر و موفق شناخته شوند. بنابراین به نظر می‌رسد که در عوض اینکه استانداردها به راهنمایی برای عمل مبدل شوند که برای توسعه حرفه‌ای و به اشتراک گذاشتن تخصص سودمند باشند، به مجموعه‌ای از قوانین و مقررات تبدیل می‌گردند. مضافاً اینکه در این استانداردها به اصول اخلاقی نظیر صداقت^۵، شفقت^۶ یا اشتیاق^۷ صرفاً به دلیل اینکه قابل اندازه‌گیری نیستند، توجه چندانی نمی‌شود (گرووز و دیگران، ۲۰۰۰).

معذالک یکی از اهداف آموزش عالی، تربیت دانشجویان است به نحوی که توفیق کسب نتایج یادگیری آشکار و تصریح شده دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی را بیابند. از طرف دیگر یادگیری دانشجویان صرفاً از طریق حضور جدی آنان در تجارب یادگیری، درک دانش و جذب دانش جدید اتفاق می‌افتد. نکته اینجا است که دانشجویان ما نباید صرفاً از نظر دانش رشد نمایند بلکه انتظار است که آنان به افراد اندیشمندی مبدل گردند که قادر باشند از دانش خود برای رشد عقلانیت

1. Groves, et al

2. Darling-Hammond

3. Louden

4. Wallace

5. Sincerity

6. Empathy

7. Enthusiasm

و رفتار آینده استفاده نمایند. لذا در نتیجه فرهیخته شدن دانشجویان، از آنان انتظار می‌رود که به عنوان شهروندانی کارآمد، به طور موفقیت‌آمیزی عمل نمایند. البته گفتنی است که گرایش‌ها و عوامل متعددی وجود دارند که بر نتایج یادگیری دانشجویان اثر می‌گذارند که از جمله آنها می‌توان به ارزیابی استانداردها، کیفیت و اعتبار اساتید، بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی، جهانی شدن، پیشرفت‌های فناوری‌های نوین، تغییر سریع شیوه‌های ارائه و اجرای برنامه‌های آموزشی (شیوه‌های انعطاف‌پذیر و آنلاین)، موضوعات مربوط به سرقت ادبی و حق نشر و حفظ کیفیت و استانداردهای بین‌المللی اشاره کرد. موضوعات مقبولیت و اعتبار اساتید زمانی مطرح می‌گردند که بررسی صلاحیت‌ها و توسعه حرفه‌ای اساتید مورد توجه قرار بگیرد. در این ارتباط در طی دهه گذشته در سطح بین‌المللی انجمن‌ها و مجامع متعددی پا به عرصه وجود نهادند. در بریتانیا دو نهاد «انجمن کارکنان و توسعه آموزشی^۱» و «انستیتو یادگیری و تدریس^۲»، در استرالیا «جامعه تحقیق و توسعه آموزش عالی^۳» و در کانادا نیز «جامعه کانادایی تدریس و یادگیری در آموزش عالی^۴» از جمله این مؤسسات بودند. همه این نهادها تلاش نمودند تا با تدوین بیانیه‌ها و اصولی به بهبود کیفیت فعالیت‌های آموزشی و استانداردهای مربوط مساعدت رسانند. به عنوان مثال یکی از شش بیانیه ارزشی که توسط انجمن کارکنان و توسعه آموزشی بریتانیا تدوین گردید، «تحقیقات، حرفه‌ای‌گرایی و رویه اخلاقی» بود. از سوی دیگر یکی از معیارهای جامعه تحقیق و توسعه آموزش عالی استرالیا، آن است که «به نیازهای دانشجویان یا شرکت‌کنندگان مختلف توجه می‌شود و آنان در فرایند یادگیری مورد حمایت قرار می‌گیرند». جامعه کانادایی برای تدریس و یادگیری در آموزش عالی نیز از رعایت نه اصل اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی جانبداری می‌کند. این اصول مسئولیت‌های حرفه‌ای اساتید دانشگاه را تعریف می‌کند. بنابه دیدگاه مورای^۵ و همکارانش (۱۹۹۶) اینجا منظور از اصول و استانداردهای اخلاقی، دستورالعمل‌ها، ایده‌آل‌ها و یا انتظاراتی است که باید همراه با سایر موقعیت‌ها و شرایط مرتبط در طراحی و تحلیل آموزش دانشگاهی مورد توجه قرار بگیرند. در واقع هدف از طرح ضرورت توجه به چنین استانداردهایی در آموزش‌های دانشگاهی این نیست که مجموعه‌ای از قوانین و مقررات ثابتی ارائه گردد که به طور اتوماتیک در همه موقعیت‌ها قابل استفاده باشد و همین‌طور هدف از ارائه آن، تقابل با مفهوم آزادی آکادمیک در مراکز دانشگاهی نیست، بلکه در عوض هدف توصیف راه‌هایی است که از طریق آنها می‌توان آزادی آکادمیک را به شیوه‌ای مسئولانه‌تر تمرین نمود. بر این اساس از نظر جامعه تدریس و یادگیری در آموزش عالی کانادا، سند اصول و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی «غذای اندیشه» محسوب می‌گردد و الزاماً به منزله یک محصول نهایی در نظر گرفته نمی‌شود. در جدول ۱ این اصول نه گانه به اختصار توصیف و به مصادیق نقض آن اشاره شده است.

1. SEDA: Staff and Educational Development Association

2. ILT: Institute Learning Teaching

3. HERDSA: Higher Education Research and Development Society of Australia

4. CSTLHE: The Canadian Society for Teaching and Learning in Higher Education

5. Murray

جدول ۱: توصیف اصول اخلاق حرفه‌ای و مصادیق نقض آن (اقتباس از مورای و همکارانش (۱۹۹۶))

نام اصل	توصیف موارد شمول	مصادیق نقض این اصل
۱. شایستگی تخصصی (اشراف بر محتوای دروس)	دانش موضوعی یک استاد دانشگاه در سطح بالایی قرار دارد و تضمین می‌کند که محتوای واحد درسی جدید، معتبر، جامع و متناسب با جایگاه واحد درسی در درون رشته مورد مطالعه دانشجویی می‌باشد.	<ul style="list-style-type: none"> تدریس دروسی که مدرس در آن حوزه دانش کافی و با تخصص ندارد؛ تفسیر نادرست شواهد پژوهشی برای تبیین مواضع تئوری استاد؛ تدریس فقط بخشی از مطالب و موضوعات درسی که مورد علاقه مدرس است.
۲. شایستگی پداگوژیکی (تربیتی)	استادی که از نظر پداگوژیکی دارای شایستگی است دانشجویان را با اهداف درسی آشنا می‌سازد، از راهبردهای آموزشی متنوع آگاه است و بر پایه نتایج پژوهش‌ها از آن دسته از روش‌های آموزشی استفاده می‌کند که در کمک به دانشجویان در نیل به اهداف آموزشی اثربخش هستند.	<ul style="list-style-type: none"> استفاده از روش تدریس یا روش ارزشیابی ناهماهنگ با اهداف آموزشی؛ ناتوانی در فراهم کردن فرصت کافی برای دانشجوی که مهارت‌های ضروری در اهداف آموزشی که در آزمون پایانی نیز طرح خواهد شد را تمرین کنند و یا یاد بگیرند.
۳. نحوه برخورد با موضوعات حساس	موضوعاتی که احتمالاً برای دانشجویان حساس است یا دانشجویان با چنین موضوعاتی راحت نیستند، توسط استاد به شکلی باز، صادقانه و مثبت مطرح خواهد شد.	<ul style="list-style-type: none"> عدم طرح دلایل و ضرورت تبیین این موضوعات و زمینه‌ها در کلاس؛ بی‌توجهی به زمینه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دانشجویان هنگام طرح چنین موضوعاتی؛ ندادن فرصت برای طرح سایر مواضع و تفاسیر از موضوع؛ بیان مباحث به اشکال توهین‌آمیز در کلاس.
۴. رشد و توسعه دانشجویان	مسئولیت اصلی مدرس مشارکت در توسعه فکری و عقلی دانشجو حتی‌المقدور در حوزه تخصصی استاد و اجتناب از انجام رفتارهای نامناسب و تبعیض‌آمیز است که باعث کاهش رشد دانشجو می‌گردد.	<ul style="list-style-type: none"> عدم آمادگی مدرس هنگام حضور در کلاس؛ ناتوانی در طراحی اثربخش آموزشی؛ واداشتن دانشجویان به پذیرش ارزش و یا نقطه نظرات خاصی؛ ناتوانی در ارائه تفاسیر تئوریک جایگزین؛ اعمال تبعیض جنسیتی یا نژادی؛ نسبت دادن عبارات موهن به دانشجویان؛ انتفاع کلی و انحصاری استاد از حق مالکیت معنوی آثاری که توسط و یا با همکاری دانشجویان طراحی و اجرا گردیده است؛ قصور استاد در ابلاغ دیون علمی و فکری خود به دانشجویان؛ تعیین تکالیفی که به اهداف آموزشی درس مرتبط نیست.
۵. روابط دوگانه با دانشجویان	برای اجتناب از تضاد منافع، یک استاد وارد نقش روابط دوگانه با دانشجویان نمی‌گردد که احتمالاً مانع رشد دانشجو می‌گردد یا به تمایلات واقعی و فرضی از جانب استاد منجر می‌گردد. این اصل به معنای آن است که مسئولیت استاد برای حفظ روابط با دانشجویان بر اهداف پداگوژیکی و شرایط آکادمیک متمرکز است.	<ul style="list-style-type: none"> پذیرش نقش آموزش و یا ارزیابی تحصیلی یکی از اعضای خانواده استاد، یک دوست نزدیک و یا افرادی که مشتری، مراجع و یا همکار تجاری استاد می‌باشند؛ روابط اجتماعی گسترده بیرون از کلاس با دانشجو خواه به صورت فردی خواه به صورت تیمی، قرض دادن به دانشجو یا قرض گرفتن از او؛ دادن هدیه به دانشجو و یا پذیرش هدیه از طرف او.
۶. حفظ اسرار دانشجو و محرمانه نگهداشتن آنها	با نمرات دانشجویان، سوابق حضور و اطلاعات خصوصی آنان به عنوان ابعدی محرمانه و شخصی رفتار می‌گردد و فقط در صورت اجازه دانشجو یا برای مقاصد آکادمیک قانونی و یا اگر در صورت وجود زمینه‌های قابل قبولی مبنی بر اینکه نشر چنین اطلاعاتی به نفع دانشجو خواهد بود و یا مانع صدمه رساندن به دیگران خواهد گردید، نشر می‌یابند.	<ul style="list-style-type: none"> ارائه سوابق علمی دانشجو به یک کارفرما، محقق یا کارشناس خصوصی بالقوه؛ بحث و گفتگو در خصوص نمرات و یا مسائل علمی یک دانشجو با یک هیئت علمی دیگر؛ استفاده آموزشی و یا پژوهشی نمودن استاد از تجارب دانشجو که به صورت خصوصی در اختیار استاد قرار گرفته است.

<ul style="list-style-type: none"> • بیان نسبت‌های ناصواب در کلاس درس در خصوص صلاحیت استاد دیگر (غیبت سایر اساتید در کلاس درس)؛ • زیر سؤال بردن عملکرد اساتید در دروس قبلی؛ • رد درخواست دانشجویان برای اخذ واحد درسی با استادان سایر گروه‌های آموزشی صرفاً به دلیل اغراض شخصی. 	<p>یک استاد دانشگاه احترام همکارانش رعایت و با آنان در جهت تقویت رشد دانشجویان به طور تیمی تلاش می‌کند.</p>	<p>۷. رعایت حرمت و احترام همکاران</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ارزیابی دانشجویان در مهارت‌هایی که جزء اهداف اعلام شده واحد درسی نبوده است؛ • ارزیابی دانشجویان در مهارت‌هایی که برای فراگیری آن فرصت کافی داده نشده است؛ • استفاده استاد از روش ارزیابی و نمره‌گذاری متفاوت در مورد دانشجویان دو کلاس که واحد درسی آنها یکسان است. 	<p>نظر به اهمیت ارزشیابی عملکرد دانشجو در آموزش‌های دانشگاهی و در حیات فردی و شغلی دانشجویان، اساتید نسبت به انجام اقدامات لازم برای تضمین آنکه ارزشیابی از دانشجویان معتبر، آگاهانه، منصفانه و هماهنگ با اهداف آموزشی است، مسئولیت دارند.</p>	<p>۸. انجام ارزیابی صحیح از دانشجویان</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اشتغال به فعالیت‌های خارج از مؤسسه که با مسئولیت‌های آموزشی استاد در تقابل است؛ • ناآگاهی و یا غفلت از قوانین و مقررات موضوعه دانشگاه مربوط به محتوای رشته یا واحد، برنامه‌ریزی امتحانات و یا رفتارهای غیرآکادمیک 	<p>در راستای رشد و توسعه دانشجو، یک استاد دانشگاه از اهداف، سیاست‌ها و استانداردهای آموزشی مؤسسه‌ای که در آن به تدریس اشتغال دارد، آگاهی دارد و آنها را مراعات می‌کند.</p>	<p>۹. احترام نهادن به مؤسسه و سازمان محل کار</p>

به هر حال در جامعه‌ای که به طور پیوسته در حال تغییر و توسعه است و بر تولید دانش و نشر و تسهیم اطلاعات به طور روز افزونی تأکید می‌شود، استادان و معلمان خوب دارای نقش بسیار مهمی هستند. آنها به عنوان افرادی که در حوزه خدمات عمومی به کار اشتغال دارند، نقش ویژه‌ای در اعتماد و شکل‌گیری آن دارند و در ایفای نقش‌های مربوط خود نیروهایی را تجربه می‌کنند که تأثیر قابل توجهی بر زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان دارند. بر همین اساس جامعه انتظار دارد که در نظام آموزشی چنین نیروهایی به طور مناسب و معقولی مورد استفاده قرار گیرد (ناحیه پایتخت استرالیا، ۲۰۰۶). از این‌رو آنچه اساتید و معلمان می‌دانند و انجام می‌دهند اثر عمیقی بر ماهیت و کیفیت یادگیری فراگیران دارد.

بنابراین، با عنایت به اینکه روز به روز بر اهمیت و پیچیدگی حرفه تدریس اضافه می‌گردد، خود مدرسان و معلمان باید تضمین نمایند که رویه حرفه‌ای تدریس آنان با عالی‌ترین سطح ممکن استانداردها انطباق دارد. برای نیل به این استانداردهای بالا مدرسان و معلمان نه تنها باید در کسب و توسعه ویژگی‌ها و صلاحیت‌های عمومی معلمی بکوشند بلکه باید نسبت به یادگیری حرفه خودشان متعهد باشند، برای تعمیق دانش خود تلاش کنند، مهارت‌های تدریس خود را توسعه دهند و تدریس خود را با پیشرفت‌های حوزه تحقیق و پژوهش هماهنگ نمایند. تمامی این نکات مؤید جایگاه مهم وجود یک چارچوب از استانداردهای حرفه‌ای برای این حوزه بسیار مهم، چندوجهی و چالش‌انگیز است. موضوعی که سبب گردید تا محقق کم و کیف این مسئله را در آموزش‌های دانشگاهی بررسی کند.

پیشنه تحقیق

تلاش‌های پژوهشی برای تدوین استانداردهای اخلاق حرفه‌ای برای تدریس و آموزش تقریباً از دو دهه گذشته آغاز گردیده است (اله ویسی، ۱۳۹۰). از این جهت کند و کاو پیرامون این موضوع از پیشینه‌چندانی علی‌الخصوص در کشور ما برخوردار نیست. آنچه ذیلاً می‌آید تقریباً مواردی است که در این ارتباط آن هم در سال‌های اخیر انجام گرفته است.

مطلبی فرد و آراسته (۱۳۹۰) با مبنا قرار دادن دیدگاه مورای و همکارانش به بررسی ابعاد اخلاقی آموزش عالی و واکاوی مؤلفه‌های اخلاقی مربوط به تدریس در آموزش عالی پرداخته‌اند. از نظر آنان ضعف رعایت اخلاق در آموزش عالی سبب گسترش نمودهایی از رفتار نامطلوب دانشگاهی گردیده است. اله‌ویسی (۱۳۹۰) نیز با بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه کردستان درباره جایگاه اخلاق حرفه‌ای تدریس در مراکز دانشگاهی، رفع خطر سوء استفاده از قدرت ناشی از دانش اساتید را در گرو تدوین ضوابط و قواعد اخلاقی حاکم بر کار اساتید می‌داند و بر این باور است که رعایت جنبه‌های اخلاقی کار به افزایش بهره‌وری در نیل به اهداف حرفه‌ای می‌انجامد. گودرزی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی مبانی دینی اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، به محبت و احساس مسئولیت، حفظ حرمت و شخصیت، صداقت و گذشت، عدالت، واقع‌گرایی، اخلاص، صبر، جدیت، هدفمندی و ثبات به عنوان اصول مهم اخلاق حرفه‌ای اشاره می‌کند. نتایج مطالعه جواهری (۱۳۸۹) در خصوص بررسی و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در مورد ویژگی یک استاد خوب دانشگاهی نشان داد که اساتید و دانشجویان از میان چهار حیطة از ویژگی‌های یک استاد خوب، اولویت اول را به حیطة شخصیت فردی اساتید داده‌اند. از نظر آنان توجه به حیطة دانش‌پژوهی، روش تدریس و توانایی اساتید در ایجاد ارتباط در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند. نتایج مطالعه فلاح تفتی و همکارانش (۱۳۸۹) نیز نشان داد که هرچند اکثریت دانشجویان، اساتید خود را در زمینه برخورد مناسب با دانشجویان، عدالت در برخورد و در دسترس بودن آنان، خوب ارزیابی کرده‌اند اما از نظر آنان، وضعیت اساتید در زمینه انتقادپذیری کمتر قابل قبول است. این تحقیق همچنین نشان داد که بین اخلاق خوب و آموزش خوب رابطه مستقیمی وجود دارد. ایازی و همکارانش (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای با هدف تعیین ویژگی‌های اخلاقی استاد در راستای اثربخش نمودن آموزش از دیدگاه اسلام به شایستگی برای تدریس، حفظ مقام و منزلت علم، بذل علم برای اهل آن، احترام به دانشجویان، تلاش برای تخلق دانشجویان به صفات عالی و مکارم اخلاقی، برابری بین دانشجویان، پرورش فکری دانشجویان، حق‌پذیری و انصاف، صمیمیت با دانشجویان، سادگی بیان، رعایت اعتدال و رعایت جهات معنوی به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی اساتید اشاره می‌کنند. بر اساس پژوهش حسامی و همکارانش (۱۳۸۹) از نظر دانشجویان در حیطة مقررات آموزشی، در دسترس بودن استاد، در حیطة علمی آموزشی، تسلط علمی اساتید، در حیطة نظارت و ارزیابی طرح سؤال امتحانی متناسب با کیفیت کلاس و در حیطة اخلاقی

رفتاری احترام گذاشتن به دانشجو به عنوان مهم‌ترین ویژگی استاد ارزیابی شده‌اند. نخودساز (۱۳۸۷) هم با بررسی میزان کاربست مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در مراکز تربیت معلم شهرهای یزد و اصفهان، نشان داد که در وضعیت موجود و مطلوب بیشترین میزان کاربست به مؤلفه امانت‌ورزی اما کمترین میزان کاربست، در وضعیت موجود به مؤلفه رعایت آزادی و در وضعیت مطلوب به مؤلفه برقراری عدالت تعلق داشت.

هدف و سؤالات تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، بررسی و مقایسه وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی از نظر استادان و دانشجویان دانشگاه و ارائه راه‌هایی برای تقویت این استانداردها می‌باشد. جهت نیل به هدف مذکور آزمون سؤالات ذیل در دستور کار قرار گرفت:

۱. وضعیت موجود استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی چگونه است؟
۲. وضعیت مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی چگونه ارزیابی می‌گردد؟
۳. در کدامیک از استانداردهای مورد مطالعه شکاف میان وضع موجود و مطلوب بیشتر است؟
۴. آیا بین نظرات پاسخگویان از جنبه‌های جمعیت‌شناختی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
۵. چگونه می‌توان سطح موجود استانداردهای اخلاق حرفه‌ای را به سطح مطلوب آن نزدیک‌تر ساخت؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با توجه به ماهیت اهداف و سؤالات تحقیق، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش اعضای هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه کردستان و دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشد. به منظور جمع‌آوری داده‌های پژوهشی ۱۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی و ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه در هر پنج دانشکده ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی و منابع طبیعی به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با سهم انتخاب گردیدند. در مورد انتخاب مصاحبه‌شوندگان نیز با استفاده روش نمونه‌گیری نظری هدفمند با ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مصاحبه به عمل آمد. علاوه بر آن در دو جلسه بحث تمرکز گروهی با حضور ۷ عضو هیئت علمی و دو جلسه بحث تمرکز گروهی با حضور ۱۶ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد، مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در آموزش و جایگاه چنین مؤلفه‌هایی در دانشگاه کردستان مورد بحث قرار گرفت.

برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز نیز با اتخاذ رویکرد تلفیقی همزمان از بحث تمرکز گروهی، مصاحبه نیمه‌ساختمند و یک پرسشنامه نگرش سنج دو حالت شامل ۲۲ گویه براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت بهره گرفته شد. این پرسشنامه دارای چهار خرده مقیاس الف) توانمندی‌های

حرفه‌ای با ۷ گویه، ب) احترام به دانشجویان با ۱۰ گویه، ج) احترام به همکاران با ۲ گویه و د) احترام به سازمان با ۳ گویه می‌باشد.

شایان ذکر است نظر به اهمیت امکان مقایسه دیدگاه دانشجویان با اساتید راجع به استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی غیر از بخش اطلاعات جمعیت‌شناسی پرسشنامه، مابقی سؤالات آن به صورت یکسان طراحی شده بود. ضمناً پاسخگویان همزمان می‌باید نظر خود را در خصوص وضعیت موجود و وضعیت مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در حوزه آموزش‌های دانشگاهی بیان می‌کردند. در راستای افزایش ضریب دقت سؤالات پرسشنامه و جهت بررسی و تأیید روایی صوری و محتوایی سؤالات، محقق از مساعدت و همفکری صاحب‌نظران گروه علوم تربیتی سود جست. برای سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه نیز، نمونه اولیه پرسشنامه تصادفاً در میان گروهی ۲۰ نفره از اساتید اجرا و نتایج حاصل با استفاده از روش پایایی آلفای کرنباخ آزمون و معادل ۰/۹۳ برآورد گردید. در تحلیل داده‌های تحقیق نیز با توجه به مفروضات اولیه تحقیق، علاوه بر آمارهای توصیفی از آزمون تی وابسته برای سنجش شکاف بین میانگین نمرات دو وضعیت موجود و مطلوب، از آزمون تی گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین نمرات اساتید و دانشجویان و پاسخگویان زن و مرد و از تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین نمرات پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی و رتبه علمی اساتید استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان مؤید آن است که از مجموع گروه نمونه منتخب از اساتید و دانشجویان برای بخش کمی تحقیق مجموعاً ۲۶۹ نفر (حدود ۷۷ درصد) از گروه نمونه پرسشنامه را تکمیل و عودت دادند. از این تعداد ۷۶ نفر عضو هیئت علمی و ۱۹۳ نفر نیز دانشجو بودند. به علاوه از نظر جنسیت مردان با حدود ۷۹ درصد اکثریت نمونه را از این لحاظ تشکیل می‌دادند. همچنین توزیع نمونه بر اساس زمینه تحصیلی نشان می‌دهد با وجود اینکه پاسخگویان از دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی با ۱۰۹ و ۷۲ نمونه از بیشترین تعداد برخوردارند پاسخگویان از دانشکده‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی با ۴۵، ۲۱ و ۲۲ نفر نمونه در طیف کم تعداد گروه نمونه قرار می‌گیرند. در ارتباط با مدرک تحصیلی و مرتبه علمی اعضای هیئت علمی نمونه نیز داده‌ها نشان می‌دهد که از ۷۶ نفر عضو هیئت علمی ۶۳ نفر دارای مدرک دکتری و ۱۳ نفر از آنان دارای مدرک کارشناسی‌ارشد هستند. از این تعداد ۱۲ نفر مربی، ۵۷ نفر استادیار، ۶ نفر دانشیار و ۱ نفر دارای مرتبه استادی می‌باشند.

در این بخش، ابتدا بر اساس سؤالات پژوهشی، یافته‌های حاصل از پرسشنامه گزارش می‌گردد و سپس به یافته‌های برآمده از مصاحبه‌ها و بحث‌های تمرکز گروهی اشاره می‌شود.

۱. وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی چگونه است؟
 برای تحلیل پاسخ به این سؤال از آزمون تی‌وابسته نخست در مورد میانگین کل نمرات افراد در هر دو وضعیت موجود و مطلوب استفاده گردید و در مرحله بعد از این آزمون برای تحلیل داده‌های مربوط به خرده مقیاس‌های چهارگانه پرسشنامه بهره گرفته شد. از این‌رو چنانچه در جدول ۲ مشاهده می‌گردد هم میانگین خرده‌مقیاس‌ها و میانگین کل نمرات افراد در وضعیت موجود در بالاترین وضع خود حدوداً ۲/۸ از ۵ است در صورتی که این نمره برای وضعیت مطلوب در کمترین وضع خود بیش از ۴/۲ از ۵ می‌باشد. تفسیر توصیفی ساده این موضوع این که با وجودی که از نظر پاسخگویان اهمیت و مطلوبیت رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در فعالیت‌های آموزشی در همه ابعاد آن، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی گردیده است اما وضعیت چنین استانداردهایی در عمل از حد متوسط نیز پایین‌تر ارزیابی شده است.

جدول ۲: توصیف آماری دیدگاه پاسخگویان در خصوص وضعیت موجود و مطلوب در چهار خرده مقیاس استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی

خرده مقیاس‌ها	وضعیت	نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای معیار
توانمندی‌های حرفه‌ای	موجود	۲۶۹	۲/۶۶۹۷	۰/۵۸۲۱۱	۰/۰۳۵۴۹
	مطلوب	۲۶۹	۴/۲۷۶۷	۰/۴۷۵۷۲	۰/۰۲۹۰۱
احترام و تعهد نسبت به دانشجویان	موجود	۲۶۹	۲/۷۱۳۴	۰/۶۸۴۸۹	۰/۰۴۱۷۶
	مطلوب	۲۶۹	۴/۳۷۱۰	۰/۴۸۴۵۱	۰/۰۲۹۵۴
احترام و تعهد نسبت به همکاران	موجود	۲۶۹	۲/۸۳۰۹	۰/۸۷۳۶۵	۰/۰۳۵۲۷
	مطلوب	۲۶۹	۴/۳۳۴۶	۰/۶۶۰۴۲	۰/۰۴۰۲۷
احترام و تعهد نسبت به سازمان	موجود	۲۶۹	۲/۷۱۰۰	۰/۷۷۵۴۶	۰/۰۴۷۲۸
	مطلوب	۲۶۹	۴/۲۶۸۹	۰/۵۹۵۰۱	۰/۰۳۶۲۸
میانگین کل نمرات	موجود	۲۶۹	۲/۷۰۹۹	۰/۵۷۵۰۸	۰/۰۳۵۰۶
	مطلوب	۲۶۹	۴/۳۲۳۶	۰/۴۳۲۲۶	۰/۰۲۶۳۶

همچنین نتایج آزمون تی‌وابسته در خصوص مقایسه وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد از آنجا که مقدار تی مشاهده شده هم در خرده مقیاس‌های پرسشنامه و هم در میانگین کل نمرات آن با درجه آزادی ۲۶۸، بالای (۲۳.۸۵۳) گزارش گردیده است و از مقدار بحرانی آن (۱/۹۶) بزرگ‌تر می‌باشد در نتیجه شکاف موجود میان وضعیت جاری استانداردهای اخلاق حرفه‌ای با شرایط مطلوب آنها بر پایه نظرات پاسخگویان در سطح ۹۹ اطمینان درصد معنی‌دار است.

جدول ۳: نتایج آزمون تی وابسته در خصوص مقایسه وضعیت موجود و مطلوب در خرده مقیاس‌های استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی

خرده مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای معیار	تی	درجه آزادی	سطح اطمینان تفاوت ۹۵٪		
						حد اقل	حداکثر	
توانمندی‌های حرفه‌ای	-۱/۶۰۷۰۱	۰/۷۶۰۴۶	۰/۰۴۶۳۷	-۳۴/۶۵۹	۲۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۹۸۳۰	-۱/۵۱۵۷۲
احترام و تعهد نسبت به دانشجویان	-۱/۶۵۷۶۲	۰/۸۳۳۷۹	۰/۰۵۰۸۴	-۳۲/۶۰۶	۲۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۷۵۷۷۱	-۱/۵۵۷۵۳
احترام و تعهد نسبت به همکاران	-۱/۵۰۳۷۲	۱/۰۳۳۹	۰/۰۶۳۰۴	-۲۳/۸۵۳	۲۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۲۷۸۳	-۱/۳۷۹۶۰
احترام و تعهد نسبت به سازمان	-۱/۵۵۸۸۶	۰/۹۲۸۸۲	۰/۰۵۶۶۳	-۲۷/۵۲۶	۲۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۷۰۳۶	-۱/۴۴۷۳۶
میانگین کل نمرات	-۱/۶۱۳۷۲	۰/۷۱۳۱۹	۰/۰۴۳۴۸	-۳۷/۱۱۱	۲۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۹۹۳۳	-۱/۵۲۸۱۱

۲. در کدامیک از استانداردهای مورد مطالعه شکاف میان وضع موجود و مطلوب بیشتر است؟

برای تحلیل پاسخ به این سؤال میانگین هر یک از خرده مقیاس‌ها و ۲۲ گویه پرسشنامه را در دو وضعیت موجود و وضعیت مطلوب محاسبه و سپس شکاف و تفاوت میان آنها محاسبه گردید. چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌گردد در وضعیت جاری استانداردهای اخلاق حرفه‌ای فقط در چهار گویه ۱، ۱۳، ۱۴، ۱۹، نمره کسب شده کمی از عدد ۳ که حد وسط مقیاس در نظر گرفته شده برای این استانداردها می‌باشد، بالاتر است و در مابقی ۱۸ آیتم مورد مطالعه وضعیت نسبتاً نارضایت بخش ارزیابی شده است. بر این اساس چهار استاندارد اخلاقی حفظ اسرار، سوابق و اطلاعات خصوصی دانشجویان، رعایت شأن و احترام همکاران، برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی و رعایت شأن و احترام دانشجو در حد قابل قبولی ارزیابی شده‌اند. ولی به هر حال با توجه به ارزیابی پاسخگویان از وضعیت جاری این استانداردها، ارائه راهی برای ارتقای همه موارد مطروحه بسیار ضروری است. از طرف دیگر همان طوری که در این جدول مشاهده می‌گردد ارزیابی پاسخگویان از ضرورت و اهمیت استانداردهای مطرح شده در پرسشنامه مؤید آن است که میانگین کسب شده برای تمامی ۲۲ گویه بیش از عدد ۴ می‌باشد با این تفسیر که استانداردهای مربوط به برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی (گویه شماره ۱)، رعایت شأن و احترام دانشجو (گویه شماره ۱۳)، محترم شمردن حق دانشجویان در داشتن دیدگاه‌های علمی متفاوت (گویه شماره ۱۰)، تلاش برای ارتقای رشد فکری و شخصیتی دانشجویان (گویه شماره ۹) و محترم شمردن نظرات و احساسات دانشجویان هنگام طرح موضوعات حساس (گویه شماره ۱۲) از مطلوبیت و اهمیت بالاتری برخوردار بوده که می‌باید توسط اعضای هیئت علمی رعایت گردد. از طرف دیگر وجود شکاف تقریباً ۲ نمره‌ای میان میانگین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب استانداردها حاکی از عمق شکاف میان وضعیت جاری استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی با وضعیت مطلوب آنها می‌باشد. ضمناً در بررسی وضعیت این موضوع در خرده مقیاس‌ها مشخص می‌گردد که شکاف بین وضعیت‌های موجود و مطلوب در بخش توانمندی‌های حرفه‌ای و تعامل با دانشجویان بیشتر است.

جدول ۴: مقایسه میانگین نمرات نظرات پاسخگویان در مورد وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای براساس خرده مقیاس‌ها و گویه‌های مربوط

مقولات اصلی	استانداردهای (گویه‌های) مورد بررسی	تعداد نمونه	میانگین نمرات مربوط به وضع موجود	میانگین نمرات مربوط به وضع مطلوب	شکاف میان وضع موجود و مطلوب	
					بر اساس محورها	بر اساس گویه‌ها
توانمندی‌های حرفه‌ای	گویه شماره ۱: برخورداری اساتید از دانش و تخصص کافی و مناسب در حوزه تخصصی	۲۶۹	۳/۱۱۹۰	۴/۵۸۳۶	-۱/۴۶۴۶	-۱/۶۰۷۰
	گویه شماره ۲: درک ضرورت توجه به استراتژی‌های متنوع تدریس و افزایش آگاهی از پیشرفت‌های پداگوژیکی	۲۶۹	۲/۶۲۸۳	۴/۲۵۲۸	-۱/۶۲۴۵	
	گویه شماره ۳: درک ماهیت ارزشیابی و ضرورت استفاده از روش‌های ارزشیابی متناسب با برنامه درسی، تدریس و ...	۲۶۹	۲/۶۱۳۴	۴/۳۶۰۶	-۱/۷۴۷۲	
	گویه شماره ۴: درگیر کردن دانشجویان در مواد آموزشی جدید، مناسب و مرتبط با واحد درسی	۲۶۹	۲/۶۷۶۶	۴/۲۹۳۷	-۱/۶۱۷۱	
	گویه شماره ۵: تلاش برای تلفیق فعالیت‌های آموزشی و یادگیری با نتایج پژوهش‌های مربوط	۲۶۹	۲/۴۷۹۶	۴/۱۸۲۲	-۱/۷۰۲۶	
	گویه شماره ۶: استفاده از استرژیک‌های آموزشی مناسب در مورد دانشجویان با نیازهای خاص	۲۶۹	۲/۵۰۹۳	۴/۱۳۷۳	-۱/۶۲۸۰	
	گویه شماره ۷: برخورداری از آمادگی لازم و کافی برای همه فعالیت آموزشی	۲۶۹	۲/۶۶۱۷	۴/۱۲۶۴	-۱/۴۶۴۷	
احترام و تعهد نسبت به دانشجویان	گویه شماره ۸: توجه به زمینه‌ها و توانایی‌های متفاوت دانشجویان در فعالیت‌های آموزشی	۲۶۹	۲/۲۸۶۲	۴/۳۱۶۰	-۲/۰۲۹۸	-۱/۶۵۷۶
	گویه شماره ۹: تلاش برای ارتقای رشد فکری و شخصیتی همه دانشجویان	۲۶۹	۲/۵۷۷۹	۴/۴۶۴۷	-۱/۸۸۶۸	
	گویه شماره ۱۰: محترم شمردن حق دانشجویان در داشتن نظرات و دیدگاه‌های علمی متفاوت	۲۶۹	۲/۷۷۷۰	۴/۴۶۵۷	-۱/۶۸۸۷	
	گویه شماره ۱۱: دادن فرصت به دانشجویان برای کسب آگاهی و ارزشیابی سایر چشم‌اندازهای تئوری و نظری	۲۶۹	۲/۶۹۱۴	۴/۳۰۸۶	-۱/۶۱۷۲	
	گویه شماره ۱۲: محترم شمردن نظرات و احساسات دانشجویان هنگام طرح موضوعات حساس	۲۶۹	۲/۶۸۴۰	۴/۴۴۶۰	-۱/۷۶۲۰	
	گویه شماره ۱۳: رعایت شأن دانشجو و برخورد احترام‌آمیز با آنان	۲۶۹	۳/۰۲۹۷	۴/۵۰۱۹	-۱/۴۷۲۲	
	گویه شماره ۱۴: حفظ اسرار، سوابق و اطلاعات خصوصی و علمی دانشجویان توسط اساتید	۲۶۹	۳/۳۲۳۴	۴/۴۱۶۴	-۱/۰۹۳۰	
	گویه شماره ۱۵: انجام ارزشیابی‌های معتبر، مرتبط، منصفانه و پیوسته از عملکرد دانشجویان	۲۶۹	۲/۵۶۵۱	۴/۳۰۴۸	-۱/۷۳۷۹	
	گویه شماره ۱۶: ارائه بازخوردهای سازنده، درست و به‌موقع به دانشجویان در طول فعالیت آموزشی	۲۶۹	۲/۵۵۰۲	۴/۲۳۷۹	-۱/۶۸۷۷	
	گویه شماره ۱۷: محترم شمردن و تصدیق نقش و مشارکت همه دانشجویان در یادگیری دانشجویان	۲۶۹	۲/۶۹۸۹	۴/۲۳۷۹	-۱/۵۳۹۰	

-۱/۵۰۳۷	-۱/۷۹۵۶	۴/۳۰۸۶	۲/۵۱۳۰	۲۶۹	گویه شماره ۱۸: توسعه روح همکاری و همدلی با همکاران در انجام وظایف حرفه‌ای	احترام به همکاران
	۱/۲۱۱۹	۴/۳۶۰۶	۳/۱۴۸۷	۲۶۹	گویه شماره ۱۹: رعایت شأن و احترام همکاران و برخورد مؤدبانه با آنان	
-۱/۵۵۸۹	-۱/۳۷۱۸	۴/۲۰۴۵	۲/۸۳۲۷	۲۶۹	گویه شماره ۲۰: آگاهی از رسالت، اهداف، سیاست‌ها، شیوه‌ها و انتظارات دانشگاه و رعایت آنها در عمل	احترام و تعهد نسبت به سازمان
	-۱/۷۹۱۸	۴/۲۳۰۵	۲/۴۳۸۷	۲۶۹	گویه شماره ۲۱: ارائه پیشنهادات و راه‌های سازنده برای بهبود اقدامات و فعالیت‌های دانشگاه	
	۱/۵۱۳۰	۴/۳۷۱۷	۲/۸۵۸۷	۲۶۹	گویه شماره ۲۲: اختصاص زمان و فرصت کافی برای مطالعه دروسی باید تدریس شوند	
-۱/۶۱۳۷				۲۶۹		جمع

۳. آیا بین نظرات پاسخگویان از جنبه‌های جمعیت‌شناختی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

برای نیل به این مقصود با استفاده از آزمون تی گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه میانگین نظرات اساتید و دانشجویان بر اساس وضعیت حرفه‌ای (دانشجو بودن - استاد بودن)، جنسیت، زمینه علمی و مرتبه علمی آنان مقایسه گردید. این نتایج در جداول ۵ الی ۸ ارائه می‌شود. چنانچه در جدول ۵ نشان داده می‌شود بین نظرات اساتید و دانشجویان جز در مورد استاندارد توانمندی‌های حرفه‌ای و احترام به دانشجویان، در مورد سایر حالات بین نظرات اساتید و دانشجویان هم در خصوص وضع موجود و هم در رابطه با وضعیت مطلوب استانداردها اختلاف نظر معنی‌داری مشاهده می‌گردد. به علاوه همچنان که مشاهده می‌شود بیشترین تفاوت میانگین بین وضع موجود و وضع مطلوب استانداردها به استانداردهای مربوط به احترام و تعهد نسبت و همکاران و احترام و تعهد نسبت به سازمان مربوط می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین نظرات استاد و دانشجو در خصوص مقایسه وضعیت موجود و مطلوب در استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی و خرده مقیاس‌های آن

اصول	وضعیت	آزمون لاوان برای برابری واریانس		آزمون تی برای برابری میانگین					
		آزمون اف	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	تفاوت خطای معیار	سطح اطمینان ۹۵%	
		حد اقل	حد اکثر	معیار	معیار	معیار	معیار		
توانمندی‌های حرفه‌ای	موجود	۲/۳۱۵	۰/۱۲۹	۲۶۷	۰/۳۵۸	۰/۰۷۲۶۶	۰/۰۷۸۸۵	۰/۰۸۲۶۰	۰/۲۲۷۹۱
	مطلوب	۰/۲۶۹	۰/۶۰۵	۲۶۷	۰/۱۸۳	۰/۰۸۵۹۴	۰/۰۶۴۳۳	۰/۰۴۰۷۲	۰/۲۱۲۶۰
احترام و تعهد نسبت به دانشجویان	موجود	۲/۱۲۱	۰/۱۴۷	۲۶۷	۰/۰۷۶	۰/۱۶۴۷۴	۰/۰۹۲۳۷	۰/۰۱۷۱۴	۰/۳۴۶۶۱
	مطلوب	۰/۱۸۶	۰/۶۶۶	۲۶۷	۰/۰۴۷	۰/۱۳۰۲۸	۰/۰۶۵۲۵	۰/۰۰۱۰۸	۰/۲۵۸۷۵
احترام و تعهد نسبت به همکاران	موجود	۴/۰۲۲	۰/۰۴۶	۲۶۷	۰/۰۳۸	۰/۲۴۴۹۲	۰/۱۱۷۵۸	۰/۰۱۳۴۲	۰/۴۷۶۴۳
	مطلوب	۵/۶۹۶	۰/۰۱۸	۲۶۷	۰/۰۰۰	۰/۳۷۷۲۸	۰/۰۸۶۵۸	۰/۲۰۶۸۲	۰/۵۴۷۷۴

۰/۴۹۸۲۱	۰/۰۹۰۰۱	۰/۱۰۳۶۶	۰/۲۹۴۱۱	۰/۰۰۵	۲۶۷	۲/۸۳۷	۰/۰۵	۳/۸۶۳	موجود	احترام و تعهد
۰/۳۹۸۸۷	۰/۰۸۶۴۰	۰/۰۷۹۳۵	۰/۲۴۲۶۴	۰/۰۰۲	۲۶۷	۳/۰۵۸	۰/۰۰۱	۱۰/۶۳۷	مطلوب	نسبت به سازمان
۰/۳۱۳۳۶	۰/۰۰۸۵۸	۰/۰۷۷۴۰	۰/۱۶۰۹۷	۰/۰۳۹	۲۶۷	۲/۰۸۰	۰/۰۵۳	۳/۷۸۱	موجود	جمع استانداردها
۰/۲۶۷۳۳	۰/۰۳۹۳۷	۰/۰۵۷۸۹	۰/۱۵۳۳۵	۰/۰۰۹	۲۶۷	۲/۶۴۹	۰/۲۰۹	۱/۵۸۸	مطلوب	

جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین نظرات مردان و زنان پاسخگو جز در سه مورد از وضع موجود استانداردهای مربوط به توانمندی‌های حرفه‌ای، وضع مطلوب احترام به دانشجویان و وضع مطلوب میانگین کل نمرات، دارای تفاوت معنی‌داری نیست. در واقع نتایج این مطالعه نشان داد که جنسیت افراد تفاوتی را در نظرات آنان در باره وضعیت موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی ایجاد نمی‌کند. لذا جنسیت، پارامتر تعیین‌کننده محسوب نمی‌گردد.

جدول ۶: نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل برای مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان مرد و زن در خصوص وضعیت موجود و مطلوب در استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی و خرده مقیاس‌های آن

اصول	وضعیت	آزمون تی برای ولان برای برابری واریانس		آزمون تی برای برابری میانگین					
		آزمون تی اف	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	تفاوت خطای معیار		
							حداقل	حداکثر	
توانمندی‌های حرفه‌ای	موجود	۰/۶۹۵	۰/۴۰۵	۲۶۷	۰/۰۰۶	-۰/۲۳۹۹۸	۰/۰۸۶۳۴	۰/۴۰۹۹۷	-۰/۰۶۹۹۸
	مطلوب	۰/۰۵۳	۰/۸۱۷	۲۶۷	۰/۱۵۵	-۰/۱۰۱۶۱	۰/۰۷۱۳۰	۰/۲۴۲۰۰	-۰/۰۳۸۷۸
احترام و تعهد نسبت به دانشجویان	موجود	۲/۳۸۸	۰/۱۲۳	۲۶۷	۰/۶۷۰	-۰/۰۴۳۹۹	۰/۱۰۳۰۱	۰/۲۴۶۸۰	-۰/۱۵۸۸۲
	مطلوب	۰/۷۷۹	۰/۳۷۸	۲۶۷	۰/۰۱۶	-۰/۱۷۴۱۹	۰/۰۷۲۱۱	۰/۳۱۶۱۷	-۰/۰۳۲۲۰
احترام و تعهد نسبت به همکاران	موجود	۰/۰۸۳	۰/۷۷۳	۲۶۷	۰/۱۶۸	-۰/۱۸۱۰۴	۰/۱۳۰۹۸	۰/۲۶۹۰۴	-۰/۱۲۱۸۲
	مطلوب	۰/۰۰۶	۰/۹۳۹	۲۶۷	۰/۴۵۹	-۰/۰۷۳۶۱	۰/۰۹۹۲۶	۰/۲۶۹۰۴	-۰/۱۲۱۸۲
احترام و تعهد نسبت به سازمان	موجود	۰/۰۲۴	۰/۸۷۸	۲۶۷	۰/۹۸۵	-۰/۰۰۲۱۵	۰/۱۱۶۶۷	۰/۲۲۷۵۶	-۰/۲۳۱۸۷
	مطلوب	۱/۸۵۲	۰/۱۷۵	۲۶۷	۰/۱۱۳	-۰/۱۴۱۵۲	۰/۰۸۹۱۰	۰/۳۱۶۹۵	-۰/۰۳۳۹۲
جمع استانداردها	موجود	۱/۰۰۹	۰/۳۱۶	۲۶۷	۰/۳۹۷	-۰/۰۷۹۳۹	۰/۰۹۳۱۵	۰/۲۴۹۴۷	-۰/۰۹۰۷۰
	مطلوب	۰/۲۲۷	۰/۶۳۴	۲۶۷	۰/۰۳۴	-۰/۱۳۷۷۱	۰/۰۶۴۴۹	۰/۲۶۴۶۸	-۰/۰۱۰۴۷

همچنین چنانچه در جداول ۷ و ۸ مشاهده می‌گردد نه زمینه علمی و رشته تحصیلی پاسخ‌گویان و نه مرتبه علمی استادان (مراتب مربی تا استادی) هیچکدام به ایجاد تفاوت معنی‌داری در دیدگاه پاسخگویان نسبت به وضعیت موجود و وضعیت مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی منجر نگردید.

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس یک راهه از مقایسه میانگین

نظرات پاسخگویان به تفکیک زمینه تحصیلی آنان

تحلیل‌ها	جمع مجذورها	درجه آزادی	مجدور میانگین	آزمون اف	سطح معنی‌داری	وضعیت موجود استانداردها	
						میان گروه‌ها	درون گروه‌ها
	۱/۳۲۵	۴	۰/۳۳۱	۱/۰۰۱	۰/۴۰۷	میان گروه‌ها	وضعیت موجود استانداردها
	۸۷/۳۰۷	۲۶۴	۰/۳۳۱			درون گروه‌ها	
	۸۸/۶۳۱	۲۶۸				جمع	
	۱/۴۰۳	۴	۰/۳۵۱	۱/۹۰۳	۰/۱۱۰	میان گروه‌ها	وضعیت مطلوب استانداردها
	۴۸/۶۷۲	۲۶۴	۰/۱۸۴			درون گروه‌ها	
	۵۰/۰۵۷	۲۶۸				جمع	

جدول ۸: نتایج تحلیل واریانس یک راهه مقایسه میانگین

نظرات اعضای هیئت علمی بر اساس مرتبه علمی آنان

تحلیل‌ها	جمع مجذورها	درجه آزادی	مجدور میانگین	آزمون اف	سطح معنی‌داری	وضعیت موجود استانداردها	
						میان گروه‌ها	درون گروه‌ها
	۰/۶۷۴	۳	۰/۲۲۵	۰/۹۶۵	۰/۴۱۴	میان گروه‌ها	وضعیت موجود استانداردها
	۱۶/۷۶۸	۷۲	۰/۲۳۳			درون گروه‌ها	
	۱۷/۴۴۲	۷۵				جمع	
	۰/۱۷۱	۳	۰/۰۵۷	۰/۳۶۶	۰/۷۷۸	میان گروه‌ها	وضعیت مطلوب استانداردها
	۱۱/۱۹۹	۷۲	۰/۱۵۶			درون گروه‌ها	
	۱۱/۳۷۰	۷۵				جمع	

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بحث‌های تمرکز گروهی

الف) تلقی اساتید از استانداردهای اخلاق حرفه‌ای

هر چند ماهیت متفاوت رشته تحصیلی اساتید شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها سبب ایجاد تفاوت در نوع نگاه و تلقی آنان از مقوله استانداردهای اخلاق حرفه‌ای شده اما در کل برداشت آنان در این ارتباط نسبتاً با موازین علمی و شواهد تجربی مربوط هماهنگی دارد.

«استانداردهای حرفه‌ای رعایت ضوابط و مقررات تعریف شده از سوی مؤسسه و ارگان مربوط در مورد تعریف، شناسه‌ها و خصوصیات هر شغل و حرفه است. اخلاق حرفه‌ای شامل استاندارد حرفه‌ای به اضافه رعایت موازین اخلاقی تعریف شده بر اساس عرف‌های جامعه می‌باشد.» (استاد شماره ۱)

«استانداردهای اخلاق حرفه‌ای اصول و قوانینی است که شخص به طور کلی به آنها اعتقاد دارد و آنها را به کار می‌گیرد. در واقع اصول نانوشته‌ای هستند که در ذات انسان

است و در برخورد با دیگران آنها را به کار می‌گیرد». (استاد شماره ۲)

«استانداردها یا همان اخلاق حرفه‌ای در محیط کاری دانشگاه عبارت از رعایت حقوق پذیرفته شده افراد در آن محیط و انجام وظایف محوله به نحو احسن است. این حقوق اغلب تعریف شده و بعضی از آنها هم جزء هنجارهای اجتماعی می‌باشند و در جامعه رعایت می‌شوند. ارباب رجوع در این محیط با توجه به اینکه افراد از قشر فرهیخته جامعه‌اند باید حتماً سعی شود احترام طرف مقابل رعایت شود و شأن ارباب رجوع حفظ شود و به درخواست‌های آنان در زمان مناسب و به نحو احسن رسیدگی شود و جواب مقتضی داده شود. وجود افراد مختلف و وجود تفاوت‌های طبیعی میان آنان مستلزم تفاوت در برخوردها و رفتارهای اساتید است که به نظر بنده چنین امری یک مسئله کلی است و برای اغلب افراد این مجموعه موضوعیت دارد و این اسلوب رفتاری باید سعی شود برای همه رعایت شود. بعضاً تفاوت‌هایی در رفتار متناسب با افراد وجود دارد که به نوعی عدالت در رفتار نیز می‌باشد. در هنگام تدریس در کلاس درس هم این مسئله تفاوت خاصی خواهد داشت. لذا با توجه به اینکه حضار در کلاس همه دانشجویان کلاس می‌باشند، برخورد، رفتار و نحوه تدریس نیاز به دقت بیشتری دارد». (استاد شماره ۴)

«وقتی بحث استاندارد مطرح می‌شود یک نگاه پوزیتیویستی مطرح می‌شود یعنی جواب داده‌ها یک جور باید قطعی باشد. شما که می‌گویید این باید رعایت شود، به این معنا است که به صورت عینی و محسوس باید رعایت شود. در حوزه علوم انسانی کمابیش، جواب داده‌ها و عملکردها را نمی‌توان به شکل پوزیتیویستی سنجید. برای همین چیزی که به عنوان استاندارد می‌خواهید بررسی کنید، اول باید بدانید که این استاندارد از قطعیت برخوردار نیست. نسبی است و مدام بالا و پایین می‌رود». (استاد شماره ۹)

ب) شمول استانداردهای اخلاق حرفه‌ای

علیرغم اینکه در تبیین شمول استانداردهای اخلاق حرفه‌ای، بعضی از پاسخگویان بسیار محتاطانه عمل کرده‌اند اما از لحاظ بعد معرفت‌شناسی نظر اکثریت آنان در این زمینه قابل قبول است.

«در این خصوص چون در مقام قانون‌گذار نیستیم که حوزه‌ها و موارد استانداردهای حرفه‌ای یا اخلاقی را تعریف کنم، نمی‌توانم نظر خاصی داشته باشم. اما طبیعتاً باید شامل تمام مواردی باشد که قانون‌گذار بر اساس عرف و نیازهای هر ارگانی آن را تعریف می‌کند». (استاد شماره ۱)

«استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی باید شامل موارد آموزشی و کمک آموزشی باشد که منجر به یادگیری مؤثر و دانش‌محوری می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به استانداردهای در حوزه روش تدریس، استانداردهای مربوط به آزمون‌ها و روش‌های ارزیابی آموزشی اشاره کرد». (استاد شماره ۳)

«استانداردها شامل حوزه رفتار و نحوه برخورد، تدریس در کلاس، کارهای پژوهشی و سایر امورات دانشکده خواهد شد». (استاد شماره ۴)

«یکی از موضوعات در زمینه استانداردهای اخلاق حرفه‌ای به نحوه تعامل اساتید با دانشجویان و شیوه مناسب برخورد با آنان و تکریم نمودن آنها در مناسبات رفتاری و کاری برمی‌گردد. باید اشاره کرد که در این رابطه هیچ چارچوب خاصی برای تکریم ارباب رجوع (دانشجویان) وجود ندارد و اصلاً ظرفیت این کار نه در استاد و نه در ارباب رجوع مشاهده نمی‌شود. به نظر بنده علت این مشکل عدم توجه اساتید به ضرورت برخورد مبتنی بر احترام با ارباب رجوع از طرفی و عدم توجه دانشجویان به تنظیم وقت قبل از مراجعه می‌باشد که اصلاح این امر مستلزم کار فرهنگی گسترده‌ای می‌باشد». (استاد شماره ۵)

«اگر ما بخواهیم که دانشجویان ما مفاهیم را عمیقاً یاد بگیرند، اساتید لازم است هم با فناوری‌های جدید آموزشی آشنا شده و سطح دانش فنی خود را بالا ببرند و هم از این فناوری‌های نوین آموزشی در فرایندهای تدریس و یادگیری استفاده نمایند». (استاد شماره ۷)

«در این رابطه معلم باید از پیش بداند در کلاس می‌رود چه درس‌هایی را می‌خواهد تدریس کند، چه افق‌هایی را می‌خواهد برای دانشجو باز کند و چقدر سبب ارتقای دانشجو خواهد بود. کلیت موضوع تدریس را بلد باشد و در روش آموزش نیز از دانش و تجربه خوبی برخوردار باشد. نکته دیگر اینکه افزون بر این چیزها، واقعیت کلام اینکه باید منصفانه پیش خودش این را حل کرده باشد که چیزی که من گفتم بدرد می‌خورد یا نه». (استاد شماره ۹)

«معلمی دارای چهار پنج بعد مهم است. بالاخره بعد برخورد و رفتار و بعد اخلاقی از ابعاد آن است، بعد تعهدات آموزشی هم یک بعد آن است و بعد پژوهشی نیز یک بعد دیگر آن است که برای هر یک از این ابعاد استانداردهایی معیارهایی وجود دارد». (استاد شماره ۱۰)

«در ارتباط با اصول اخلاق حرفه‌ای، دو چیز باید از یک استاندارد نسبی برخوردار باشد. یکی آن رفتار حرفه‌ای یا اخلاق حرفه‌ای است که به نظر من چه در رابطه با کاری که یک محقق انجام می‌دهد و چه در مورد دانشجویان، مصداق دارد. یکی هم اینکه در مناسبات صرفاً درسی خودش، خود را از پیش‌داوری‌ها و تعصبات دور نگه دارد و نگاهی عینی و واقع‌بین داشته باشد که خوب بتواند آن را انجام دهد. حداقل کاری که در این مورد باید بکنند این است که باید به‌روز باشند، نسبت به دانشی که در مورد آن کار می‌کند. این در قیاس کار معلم با دانشجو است». (استاد شماره ۱۱)

ج) اهمیت و ضرورت رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای

علیرغم اینکه وضعیت موجود این استانداردها از نظر اساتید در بخش کمی این مطالعه مناسب ارزیابی نشده بود، اما از نظر آنان ضرورت رعایت استانداردهای حرفه‌ای تدریس در نظام دانشگاهی از جایگاه بالایی برخوردار است. این امر در اظهارات آنان مشهود است:

«کاملاً ضروری و مهم‌اند اما باید تعریف شوند. از لحاظ ضرورت رعایت این اصول من از ۵ نمره، به آن ۵ می‌دهم». (استاد شماره ۱)

«۱۰۰ درصد ضروری است و بر اساس محیط و بر اساس کشوری که فرد در آن قرار دارد، باید این استانداردها رعایت گردد، چون دانشجویان از رفتار و حرکات ما الگو می‌گیرند و در برخورد با دیگران از رفتارهای ما در ارتباط با سایرین استفاده می‌کنند». (استاد شماره ۲)

«اهمیت تدوین استانداردهای حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی و از آن مهم‌تر پایش و ارزیابی مداوم آن در این است که به بهبود کیفیت آموزش‌ها می‌انجامد که این در نهایت به حل مشکلات جامعه کمک می‌کند. واقعیت این است که با روش‌های حاضر چیزی به اسم یادگیری در مراکز آموزشی ما اتفاق نمی‌افتد». (استاد شماره ۳)

«به نظر بنده بسیار ضروری است و به راحتی می‌توان تأثیر عدم رعایت آن را در اجتماع مشاهده کرد. چون افرادی که از دانشگاه خارج می‌شوند بعدها تصمیم‌سازان آینده در جامعه خواهند بود». (استاد شماره ۴)

د) میزان توجه به استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها

هرچند در بخش پیش عملکرد استادان در خصوص عدم رعایت الزامات و استانداردهای حرفه‌ای به نقد کشیده شده بود، اما دیدگاه افراد در این باره را می‌توان در دو طیف متضاد قرار داد.

«پاسخگویان اعضای هیئت علمی تا آنجا که به شغل آنها مربوط باشد یعنی مواردی را که سبب ارتقای علمی و یا شغلی آنها می‌شود رعایت می‌کنند سایر موارد در اختیار خودشان است که غالباً طبق قاعده لطف بوده و اجباری در رعایت آنها از طریق مدیریت دانشگاه‌ها مشاهده نمی‌گردد». (استاد شماره ۱)

«با توجه به برخوردهایی که با همکاران داشته‌ام حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد از اصولی که باید رعایت شود، رعایت می‌کنند». (استاد شماره ۲)

«اینجانب آمار دقیقی در اختیار ندارم که بگویم چند درصد از اعضای هیئت علمی این استانداردها را رعایت می‌کنند ولی به زعم بنده هرگز بیشتر از ۱۰ درصد نمی‌باشد». (استاد شماره ۳)

«اگر استانداردهای اخلاقی را یک الزام حرفه‌ای فرض کنیم، واقعیت این است که در مناسبات آموزشی با تمام شعارهایی که داده می‌شود، به آن عمل نمی‌کنند». (استاد شماره ۸)

ه) راه‌های ارتقای استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در آموزش‌های دانشگاهی

ارائه طریق مناسب برای بهبود استانداردهای اخلاق حرفه‌ای به لحاظ ماهیت چندوجهی این پدیده نیازمند تعمق و ژرف‌کاوی در آراء و دیدگاه‌های تمامی ذی‌نفعان این فرایند است. نگاهی به نظرات استادان مبین دیدگاه‌ها و تجارب قابل تأملی در این رابطه است.

«به نظر من با تعریف استانداردهای اخلاقی، آشنا کردن اساتید با آن استانداردها، وضع قوانین و ضوابط با توجه به آن استانداردها، تأثیر دادن آن موارد در ارتقای کیفی و کمی اساتید و دانشجویان، ایجاد بستر مناسب علمی - فرهنگی در محیط دانشگاه و فراگیر نمودن آن استانداردها در سطح کشور می‌توان زمینه بهبود و ارتقاء استانداردهای اخلاق حرفه‌ای را در نظام آموزش عالی کشور فراهم کرد». (استاد شماره ۱)

«برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای افراد جدیدالاستخدام و دعوت از افرادی که در این زمینه از تجربه و دانش کافی برخوردارند، می‌تواند مؤثر باشد». (استاد شماره ۲)

«برای نیل به این مقصود استفاده از متخصصین آموزشی برای تدوین استانداردهای آموزشی در کشور و منطبق با خصوصیات اجتماعی و فرهنگی جامعه، تغییر سیستم آموزشی فعلی که کاملاً معلم - محور و منسوخ است به سیستم آموزشی دانشجو - محور، ارزیابی مؤثرتر و دقیق‌تر اساتید و تغییر ذهنیت دانشجویان در مورد آموزش و نحوه یادگیری پیشنهاد می‌گردد». (استاد شماره ۳)

«برای بالا بردن استانداردهای مربوط نیاز به همکاری جمعی و هماهنگی بین بخش‌های مختلف و نظارت مستمر و مؤثر می‌باشد. البته لازم است قبل از همه سمینارها و کارگاه‌هایی تشکیل شود و توانایی افراد در زمینه‌های مختلف تقویت شود». (استاد شماره ۴)

«با آموزش‌های درست می‌توان سطح استانداردهای اخلاق حرفه‌ای را ارتقا داد. البته همچنان که استحضار دارید برای استادان دانشگاه کارگاه‌های آموزشی متعددی در زمینه‌هایی چون روش تدریس برگزار گردیده و می‌گردد، به نظر بنده این کافی نیست. بالاخره ما کارگاه‌هایی را هم لازم داریم برای آموزش روش برخورد‌های اجتماعی به استادان. به نظر من بهترین روشی که برای ارتقای استانداردهای اخلاق حرفه‌ای می‌توان پیشنهاد کرد، استفاده کردن از آموزش برای همه این ابعاد است. در درجه دوم هم مقداری تنبیه هم لازم است. بالاخره وقتی کسی تخلف می‌کند و این تخلف را حساب شده انجام می‌دهد و قبلاً هم به او تذکر داده شده است، ولی باز هم رعایت نمی‌کند، دیگر سیستم باید مقداری جدی‌تر برخورد نماید که عدول از موازین تکرار نگردد. ولی در کل من احساس می‌کنم که معیارهای اخلاقی ما رو به افول‌اند. بسیاری از آن معیارها در حال افول‌اند. باور بفرمایید بعضی از آنها با آموزش نیز درست نمی‌شوند». (استاد شماره ۱۰)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج کلی پژوهش را می‌توان در چند گزاره اصلی خلاصه نمود. اولاً تحلیل یافته‌ها آشکار می‌سازد که اگر چه از نظر پاسخگویان رعایت همه ابعاد استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در فعالیتهای آموزشی در دانشگاه‌ها از ضرورت و مطلوبیت بالایی برخوردار است و این با یافته‌های گرووز و همکارانش (۲۰۰۰)؛ موراوی و همکارانش (۱۹۹۶)؛ اله ویسی (۱۳۹۰)؛ یازوی و همکارانش (۱۳۸۹)؛ جواهری (۱۳۸۹)؛ حسامی و همکارانش (۱۳۸۹)؛ فلاح تفتی و همکارانش (۱۳۸۹) و گودرزی (۱۳۸۸) هماهنگ است، اما وضعیت جاری چنین استانداردهایی در آموزش‌های دانشگاهی کشور در عمل کمتر از حد انتظار ارزیابی شده است که بعضاً با نتایج تحقیق نخودساز (۱۳۸۷) منطبق است. ثانیاً تحلیل یافته‌های مربوط به تفاوت موجود میان وضع موجود و مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای حاکی از شکاف عمیق میان بیشتر ابعاد و گویه‌های مورد مطالعه است. وجود شکاف تقریباً ۲ نمره‌ای میان میانگین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب استانداردها حاکی از عمق شکاف میان شرایط و کیفیت رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در وضعیت جاری با وضعیت مطلوب آنها در مراکز دانشگاهی است. ثالثاً نتایج مربوط به نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی پاسخگویان نشان می‌دهد که با وجوی که اساتید و دانشجویان در بیشتر موارد مربوط به وضع موجود و وضعیت مطلوب استانداردهای اخلاق حرفه‌ای، اختلاف نظر دارند اما در نظرات آنان چه از حیث جنسیت و چه از حیث زمینه و مرتبه علمی، تفاوت معنی‌داری را نشان نداد. رابعاً از نظر بیشتر پاسخگویان توسل دانشگاه‌ها به شیوه‌های مناسب آموزشی و بهره‌گیری از راهبردهای توانمندسازی می‌تواند در ارتقای سطح استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در تدریس مؤثر واقع شود.

به هر حال رعایت کردن اصول، ضوابط و الزامات حرفه‌ای توسط افراد در یک محیط سازمانی و هنگام اشتغال به مسئولیت‌های کاری به ارتقای کیفیت هم‌فرایندهای کاری می‌انجامد و هم خروجی و نتایج مناسب‌تری را در پی خواهد داشت. شاید به همین دلیل است که در بدو ورود نیروی انسانی جدیدالورودی به هر سازمانی، آشنا کردن آنان با موازین، اصول و سطح مورد انتظار در عملکرد سازمانی و اجرای فرایند جامعه‌پذیری، یک الزام سازمانی است. مراکز دانشگاهی نیز از این قاعده مستثنی نیست و آسیب‌شناسی موضوعات اخلاقی در مراکز دانشگاهی کشورهای غربی ضرورت تمرکز و توجه هرچه بیشتر را بر مسئولیت‌های اخلاقی نمایان می‌سازد (کوچ و داد، ۲۰۰۵). از این‌رو تلاش برای ارتقای سطح شناخت، باور و پایبندی اعضای هیئت علمی به اصول و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در فرایندهای آموزشی، رسالتی است که نیازمند ایجاد شرایط و بستر مناسب و انجام پژوهش‌های متعدد درباره آن است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که علیرغم اینکه انتظار است که اساتید دانشگاه در رعایت استانداردهای حرفه‌ای در جنبه‌های مختلف مربوط به تعهدات شغلی و تخصصی، نحوه و کیفیت رسیدگی به

نیاز و حقوق دانشجویان، نحوه تعامل با همکاران و همچنین نحوه پرداختن به مأموریت کلی دانشگاه در امر آموزش دانشجویان، در حد زیاد و خیلی زیاد ظاهر گردند اما مشاهده شکاف بین وضعیت موجود از رعایت این استانداردها در عمل با حد مورد انتظار آن نشان از وجود یک چالش اساسی در این زمینه می‌باشد. این چالش در زمینه‌های مربوط به صلاحیت‌ها و توانمندی‌های حرفه‌ای اساتید و مسئولیت و تعهد آنان نسبت به دانشجویان جدی‌تر است. نتایج مصاحبه‌ها نیز مبین آن است که خودآگاهی اساتید از مفاهیم و مصادیق اخلاق حرفه‌ای، ضرورت پرداختن به آن استانداردها و راه‌های ارتقای آن در حد قابل قبولی است.

از این‌رو با وجود افزایش خودآگاهی‌های اخلاقی در آموزش عالی، هنوز زمینه‌هایی از درک و برداشت نامناسب از اصول اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی و کاربرد آن در عرصه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در مراکز دانشگاهی وجود دارد. تعمیم و گسترش ارزش‌های حاکم بر رفتار علمی و حرفه‌ای در همه سطوح دانشگاهی می‌تواند موجب افزایش التزام اجتماعی استادان و دانشجویان و اعتماد بیشتر جامعه به دانشگاهیان و سلامت ارتباطات علمی و فعالیت پژوهشی گردد. همچنین، موضوعاتی از قبیل اخلاق علمی و مسئولیت اجتماعی و حرفه‌ای دانشمندان، بخشی از آموزش و پژوهش‌های علمی تلقی می‌گردد. هر چند ملاحظات و تعلیمات اخلاقی، از موضوعاتی بسیار کهن و پرسابقه است، اما در شرایط امروزی جوامع بشری، این موضوعات به یک مسئله حاد و اضطراری تبدیل گشته‌اند که به لحاظ ارتباط و تقابل با مسائل و عناصر نوین‌یاد علمی و فنی ممکن است تازه و نو تلقی گردند که نیازمند مطالعه مجدد می‌باشند.

به هر حال آگاهی از موضوعات متعدد اخلاقی موجود، بخش مهمی از اخلاق حرفه‌ای است. ارتقای جایگاه اخلاق در آموزش مستلزم مسئولیت‌پذیری و تلاش برای بهبود وضعیت حرفه تدریس است. از این‌رو برای تربیت یک استاد مباحث زیادی در خصوص مدیریت علائق متعارض و توجه به آلترناتیوهای عملی وجود دارد که از اصول، ارزش‌ها، زمینه‌ها و شخصیت‌های مختلف افراد نشئت می‌گیرند (گولان و فرانسون^۱، ۲۰۰۹). لذا از آنجا که خمیرمایه مشترک فرایند تدریس در همه شرایط و سطوح، تعامل انسانی است و چنین تعاملاتی اغلب در شرایط پیچیده روی می‌دهند که در آن روابط نابرابر قدرت حادث می‌گردد، ضرورت وجود یک چارچوب ارجاعی برای معلمان و مدرسان و نیاز به توسعه آگاهی، حساسیت و شایستگی اخلاق حرفه‌ای در میان آنان بسیار بارز است (کامپبل^۲، ۲۰۰۳). این در حالی است که توانایی توسعه آگاهی و شایستگی حرفه‌ای افراد به توانایی آنان برای شناسایی و تحلیل موقعیت‌های اخلاقی بستگی دارد. از طرف دیگر در طول دو دهه گذشته حرفه تدریس در آموزش عالی عمیقاً دچار تحول شده است. با عنایت به عملکرد ضعیف دانشجویان و دانش‌آموزان، برنامه تربیت مربی و مدرس در بسیاری از کشورها مورد انتقاد قرار گرفته است (مانداگ و همکاران^۳، ۲۰۰۷). همچنین

1. Golan and Fransson

2. Campbell

3. Maandag, et al

پژوهش‌های زیادی بر نیاز به اصلاح برنامه‌های تربیت معلم و تربیت مدرس تأکید کرده‌اند (دارلینگ - هاموند و همکاران^۱، ۲۰۰۲ و کوکران - اسمیت^۲، ۲۰۰۵). چنین شرایطی نیاز به تدوین یک چارچوب اخلاقی را افزایش داده است که به منزله یک چراغ راهنمایی در شرایط ناپایدار انجام وظیفه کند (ویلیامز و همکاران^۳، ۲۰۰۵).

برای ارتقای تعهدات اعضای هیئت علمی نسبت به اصول اخلاق حرفه‌ای، براکستون و بایر^۴ (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌دهند که اساتید و مدیران دانشگاهی باید اولاً هنجارهای رفتار حرفه‌ای را به‌خوبی روشن و مقوله‌بندی نمایند. ثانیاً به دانشجویان تحصیلات تکمیلی راجع به حرفه تدریس و الزامات اخلاقی آن آگاهی‌های لازم را ارائه دهند. ثالثاً به طور پیوسته زمینه‌های انگیزشی مناسب برای رفتار آموزشی و پژوهشی ارائه نمایند که با استانداردهای این حرفه هماهنگ است. رابعاً در وقت لزوم و در مواردی که از این استانداردها عدول می‌گردد، از شیوه‌های تنبیهی استفاده کنند. در واقع اگر استانداردهای اخلاق حرفه‌ای بیشتر وضوح می‌داشتند، اعضای هیئت علمی احتمالاً بیشتر امکان داشت که بر اساس این استانداردها عمل نمایند و در مقابل رفتارهای ضداخلاقی سایر همکاران در جامعه دانشگاهی اعتراض نمایند. همچنین از راه‌های ارتقای استانداردهای اخلاق حرفه‌ای، ملاحظه آن به صورت یک بیانیه مکتوب از رفتارهای مورد انتظار در محیط کار است (گلان و فرانسون، ۲۰۰۹). پیترو و ون گیلز منشور اخلاقی را به‌منزله یک سند، مکتوب، متمایز و رسمی می‌انگارند که در برگرفته استانداردهای اخلاقی برای راهنمایی پرسنل یا هماهنگی رفتار می‌باشد (پیترو و ون گیلز^۵، ۲۰۰۳: ۷۶۲). چنین استانداردهایی علاوه بر ترتیبات حقوقی - قضایی یک حرفه، رویه‌های حرفه‌ای را نیز تنظیم می‌کند.

به طور خلاصه بنابه پیشینه نظری و تجربی این مطالعه برای ارتقای وضعیت کمی و کیفی استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در مراکز دانشگاهی و در فرایندهای آموزشی، پیشنهاد می‌گردد که مسئولان ذیربط در امر فرایندهای آموزشی (معاونین آموزشی، مدیران دفتر نظارت و ارزیابی آموزشی در دانشگاه‌ها و ...) در رعایت موارد ذیل اهتمام ورزند:

۱. تدوین یک چارچوب سازمانی برای استانداردهای حرفه‌ای رفتار آکادمیک در دانشگاه؛
۲. تدوین برنامه‌ای که مشخص سازد چگونه باید به این استانداردها توجه شود و چگونه از آنها برای ارتقای شایستگی حرفه‌ای اساتید، دانشجویان و مدیران استفاده گردد؛
۳. تأکید بر انجام مطالعه و تحقیق در ارتباط موضوعات و مسائل اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه؛
۴. طراحی مدل‌های روشمندی برای مطالعه، بحث و انطباق با استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در مراکز دانشگاهی؛
۵. قرار دادن «توجه به ابعاد اخلاق حرفه‌ای» در زمره معیارهای ارتقای مرتبه علمی و

1. Darling-Hammond, et al
 2. Cochran-Smith
 3. Willemse, et al
 4. Braxton and Bayer
 5. Pater and Van Giles

- افزایش حقوق و مزایای شغلی؛
۶. تشویق اساتید به شرکت در دوره‌های آموزشی مربوط به این استانداردها؛
۷. تشویق و تأکید مدیریت ارشد دانشگاه بر فراگیری و پذیرش استانداردهای اخلاق حرفه‌ای توسط اساتید؛
۸. ایجاد و توسعه گفتمان گروهی میان ذی‌نفعان راجع به این موضوع در عرصه‌های سازمانی؛
۹. استفاده از رویکرد مشاهده فرایندهای آموزشی مخصوصاً توسط اعضای هیئت علمی ارشد و مجرب؛
۱۰. تدوین و در دسترس گذاشتن مثال‌های بارز تحلیل شده از رفتارها و سوابق کاری مربوط به این استانداردها؛
۱۱. استفاده از اعضای هیئت علمی ارشد و موفق در حوزه آموزش به عنوان مشاور و رایزن اعضای جدیدالورود؛ و
۱۲. افزایش تعامل و همکاری میان اساتید در حوزه‌های مختلف نظری و عملی.

پی‌نوشت:

* این مقاله نتیجه یک مطالعه پژوهشی است که توسط دانشگاه کردستان تأمین اعتبار شده است.

منابع

۱. احمدی، خدابخش. (۱۳۸۷). *مبحث اخلاقی در مشاوره و روان درمانی*. تهران: نشر دانژه.
۲. اله‌ویسی، گه شین. (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی جایگاه اخلاق حرفه‌ای تدریس در مراکز دانشگاهی: تأملی بر آراء و دیدگاه‌های اساتید دانشگاه کردستان. *اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی*. سنندج. ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت.
۳. ایازی، زهرا و همکاران. (۱۳۸۹). موازین اخلاقی در اثربخشی آموزش. *سمینار سراسری توسعه آموزش علوم پزشکی سنندج*. ۱۲-۱۱ اسفند.
۴. جواهری، فروغ. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در مورد ویژگی یک استاد خوب دانشگاهی. *سمینار سراسری توسعه آموزش علوم پزشکی سنندج*. ۱۲-۱۱ اسفند.
۵. حسامی، کژال؛ فرنگیس خسروی و روناک شاهویی. (۱۳۸۹). بررسی خصوصیات یک مدرس خوب از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. *سمینار سراسری توسعه آموزش علوم پزشکی سنندج*. ۱۲-۱۱ اسفند.
۶. حسینیان، سیمین. (۱۳۸۵). *اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی*. تهران: انتشارات کمال تربیت.
۷. دیوید، فرد آر. (۱۳۸۰). *مدیریت استراتژیک*. علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. سیاری، سعیده. (۱۳۸۵). از تحلیل‌گرایی دکارت تا تحویلی‌نگری مدرنیسم. *مجله اندیشه نوین دینی*. شماره ۴ و ۵.
۹. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). *اخلاق حرفه‌ای*. چاپ دوم. قم: نشر مجنون.
۱۰. کالینز، جیمز و پوراس جری. (۱۳۸۰). *ساختن برای ماندن*. تهران: نشر فرا.
۱۱. ژکس. (۱۳۵۵). *فلسفه اخلاق: حکمت عملی*. ابوالقاسم پورحسینی. تهران: سیمرغ.
۱۲. فلاح تفتی، علی محمد و همکاران. (۱۳۸۹). بررسی خصوصیات اخلاقی اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال. *سمینار سراسری توسعه آموزش علوم پزشکی سنندج*. ۱۲-۱۱ اسفند.
۱۳. قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی ودادهیر. (۱۳۸۰). سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی: مطالعه تطبیقی امور مربوط به دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. سال ۴۴. شماره ۱۸۱-۱۸۰ و ۲۲۶-۱۸۷.
۱۴. گودرزی، مصطفی. (۱۳۸۸). *بررسی مبانی دینی اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان.
۱۵. لاوتن، آلن. (۱۳۸۱). *مدیریت اخلاقی در خدمات دولتی*. محمدرضا ربیعی و حسن گیوریان. تهران: انتشارات یکان.
۱۶. مطلبی‌فرد، علیرضا و حمیدرضا آراسته. (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی و تئوریک اصول و مؤلفه‌های اخلاقی تدریس در آموزش عالی با تأکید بر دیدگاه مورای و همکاران. *اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی*. سنندج. ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت.
۱۷. مظاهری، حسن. (۱۳۸۲). *اخلاق در اداره*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۸. نخودساز، محمدجواد. (۱۳۸۷). *بررسی میزان کاربست مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در مراکز تربیت معلم شهرهای یزد و اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

19. Australian Capital Territory. (2006). *Teachers' Code of Professional Practice*. Canberra: Publishing Services for the Department of Education and Training.

20. Banner J.M. & H.C. Cannon. (1997). *The Elements of Teaching*. New Haven and London: Yale University Press.

21. Braxton, J. M. & A. E. Bayer. (1999). *Faculty Misconduct in Collegiate Teaching*. Baltimore:

The Johns Hopkins University Press.

22. Clark, C. M. (1990). The Teacher and the Taught: Moral Transactions in the Classroom. In J. I. Goodlad, R. Soder & K. A. Sirotnik (Eds.). *The Moral Dimensions of Teaching*. (pp. 251-265). San Francisco. CA: Jossey-Bass.
23. Cochran-Smith, M. (2005). The New Teacher Education. For Better or for Worth? *Educational Researcher*. 34(7). 3-17.
24. Couch, S. & S. Dodd. (2005). Doing the Right Thing: Ethical Issues in High Education. *Journal of Family and Consumer Sciences*. 97(3). 20-26.
25. Compbell, E. (2003). *The Ethical Teacher*. Buckingham: Open University Press.
26. Compbell, E. (2008). The Ethics of Teaching as a Moral Profession. *Curriculum Inquiry*. 38(4). 357-385.
27. Darling-Hammond, L. (1997). *The Right to Learn: A blueprint for Creating Schools that Work*. San Francisco. CA: Jossey-Bass.
28. Darling-Hammond, L.; R. Chang & F. Frelow. (2002). Variation in Teacher Preparation. How Well Do Different Pathways Prepare Teachers to Teach? *Journal of Teacher Education*. 53(4). 286-302.
29. Darling-Hammond, L.; A. E. Wise & S.P. Klein. (1995). *A license to Teach: Building a Profession for 21st-Century Schools*. San Francisco. CA: West View Press.
30. Fallona, C. (2000). Manner in Teaching: A Study in Observing and Interpreting Teachers' Moral Virtues. *Teaching and Teacher Education*. 16 (2000). 681-695.
31. Gardiner, L. F. (1998). Why We Must Change: The Research Evidence. *Thought and Action: The NEA Higher Education Journal*. 14. 71-88.
32. Golan, M. & G. Fransson. (2009). Professional Codes of Conduct; Towards an Ethical Framework for Novice Teacher Educators. In A. Swennen and M. Van Der Klink (eds.). *Becoming a Teacher Educator: Theory and Practice for Teacher Educators*. Amsterdam: Springer. pp. 45-57.
33. Groves, R.; J. Wallace & W. Louden. (2000). Teaching Standards and Moral Dispositions: Can We Have One Without the Other? The Ethics of Teaching as a Moral Profession. *Curriculum Inquiry*. 38(4): 357-385.
34. IIEP. (2009). Ethics and Corruption in Education. Retrieved from: <http://www.iiep.unesco.org/Research/Highlights/Ethics-Corruption/Flagships/Design-of-Ethical-Standards/Codes-of-Conduct-Definitions.Html>. Available at 22.06.2011.
35. Kilbourn, B. (1998). *For the Love of Teaching*. Toronto. Ontario: The Althouse Press.
36. Louden, W. (2000). Standards for Standards: The Development of Australian Professional Standards for Teaching. *Australian Journal of Education*. 44(2). 118-134.
37. Louden, W.; J. Wallace. & R. Groves. (in Press). Developing Video Cases to Exemplify Teaching Standards. *Research in Science Education*.
38. Maandag, D. W. et al., (2007). Teacher Education in Schools: an International Comparison. *European Journal of Teacher Education*. 30(2). 151-173.
39. Murray, H. et al. (1996). *Ethical Principles in University Teaching*. North York. Ontario: Society for Teaching and Learning in Higher Education (STLHE).
40. Van Manen, M. (1991). *The Tact of Teaching: The Meaning of Pedagogical Thoughtfulness*. Albany. NY: State University of New York Press.
41. Willemse, M. et al. (2005). Values in Education: A Challenge for Teacher Education. *Teaching and Teacher Education*. 21(2). 205-217.

